

مؤلفه‌ها و شاخص‌های اخلاق و رفتار سیاسی کارگزاران دولت اسلامی از منظر مقام معظم رهبری مدظله‌العالی

مهدی بیگدلو^۱

چکیده

مدیریت اسلامی در جامعه ایرانی را می‌توان یکی از کلیدواژه‌های اصلی انقلابی دانست که دین اسلام در آن محوریت دارد؛ در این راستا از منظر امام (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) سیاست و اخلاق و رفتار فردی و اجتماعی ناشی از آن از دین قابل تفکیک نیست. از نگاه رهبران فرزانه انقلاب، در اسلام قدرت بااخلاق پیوسته است و قدرت عاری از اخلاق، یک قدرت ظالمانه و غاصبانه است؛ بنابراین یکی از الزامات مدیریت اسلامی تعهد و تقید کارگزاران دولت اسلامی به اخلاق اسلامی و رفتار ناشی از آن برای کاربست سیاست در جامعه است که رفتار سیاسی متفاوتی از الگوهای رایج سیاسی در کشورهای دیگر را می‌طلبد.

با هدف شناسایی ویژگی‌های اخلاق و رفتار سیاسی اسلامی تحقیق پیش‌رو به این سؤال پرداخته که شاخص‌های اخلاق و رفتار سیاسی کارگزاران دولت اسلامی از منظر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) کدامند؟ برای پاسخ به سؤال پژوهش، فرمایشات معظم‌له از سال ۱۳۶۸ تاکنون با استفاده از روش پیشنهادی اترید- استرلینگ^۲ که یکی از روش‌های کدگذاری در تحلیل مضمون است بررسی و این نتیجه حاصل شده که شاخص‌های اخلاق و رفتار سیاسی مدنظر ایشان را در مؤلفه‌های ایمان، بصیرت، تبیین درست، اعتماد، عدالت، شجاعت، قانون‌مداری، مصلحت‌گرایی و پایداری با ۳۴ شاخص که در مدل انتهایی تحقیق آمده می‌توان دسته‌بندی نمود.

کلیدواژه‌ها: رفتار سیاسی، اخلاق اسلامی، اخلاق سیاسی، اخلاق اجتماعی، مدیریت اسلامی.

۱

سال سی و یکم
بهار ۱۴۰۲

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۰/۱۰/۲۰

تاریخ پذیرش:
۱۴۰۱/۹/۲۱

صص: ۱۲۴-۸۵

شاپا چاپی: ۶۹۸۰-۲۲۵۱
الکترونیکی: ۵۲۳۴-۲۶۴۵



DOR: 20.1001.1.22516980.1402.31.1.3.9

۱. استادیار جامعه‌شناسی سیاسی گروه علوم پایه، دانشکده فارابی، دانشگاه ارتش، تهران، ایران.

مقدمه

تأکید بر اهمیت نظر آحاد مردم در تمام حوزه‌های تصمیم‌گیری پیش از آنکه در متون سیاسی دولت‌های مدرن نمود یابد در اسلام مورد تأکید قرار داشته است به‌طوری که سیره ائمه هدی همواره نمایشی آشکار از ارزش و جایگاه نظرات مردم در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی و حکومتی بوده است؛ اما در کنار این نگاه، رویکرد نخبه‌گرایانه در انتخاب کارگزاران دولت اسلامی موضوعی بوده که مکمل این نگاه مردم‌محور در هدایت درست جوامع اسلامی بوده است. این نخبگان سیاسی در طول تاریخ ویژگی‌هایی داشته‌اند اما دین مبین اسلام در کنار تمام قابلیت‌های فردی و اجتماعی، اخلاق و رفتار مبتنی بر دین را در رأس این خصوصیات قرار داد به‌طوری که فساد حاکمان و دانشمندان را عامل فساد مردم و جامعه می‌داند. پیامبر گرامی اسلام (ص) در این خصوص می‌فرماید: «اگر دو گروه از مردم اصلاح شوند، مردم نیز اصلاح می‌شوند و اگر فاسد باشند، مردم نیز به فساد می‌گرایند: دانشمندان و حاکمان» (نهج‌الفصاحه: ۵۴۷). به‌عبارتی اگر نخبگان و سیاستمداران صالح باشند، جامعه متعالی و فاضله شکل خواهد گرفت و در صورتی که این دو دسته راه فساد و انحطاط را انتخاب کنند، جامعه سیاسی نیز فرو خواهد پاشید؛ بنابراین هرچه اصول و ارزش‌های اخلاقی در رفتارهای نخبگان سیاسی نمود و بروز بیشتری داشته باشد، جامعه نیز مسیر قوام و تعالی را طی خواهد کرد؛ اما برای دستیابی به این شاخص‌ها ابتدا باید شاخص‌های اخلاقی و رفتاری کارگزاران دولت به‌عنوان نخبگان سیاسی در حکومت اسلامی را احصا نمود. برای دستیابی به این هدف باید به منابعی رجوع کرد که ضمن اشراف کامل بر تمام منابع دینی، بر الزامات حکومت اسلامی نیز اشراف داشته و بتوانند اصول رفتار دینی را برای جامعه کنونی بازتعریف نمایند. یکی از مهم‌ترین این مراجع در دوره کنونی مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) هستند که با داشتن تمام خصوصیات پیش‌گفته در تمام فراز و نشیب‌های حکومت اسلامی مسئولیت رهبری آن را بر عهده داشته و در همه دشواری‌ها، نظام اسلامی را از خطرات مصون داشته‌اند.

اخلاق از منظر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) یکی از مهمترین ویژگی‌های هویتی در جامعه است به‌طوری که از منظر ایشان «هویت حقیقی جامعه هویت اخلاقی آنهاست؛ یعنی در واقع سازه

اصلی برای یک اجتماع، شاکله اخلاقی آن جامعه است و همه چیز بر محور آن شکل می‌گیرد. ما باید به اخلاق خیلی اهمیت بدهیم... اگر امروز ما در برخی زمینه‌ها دچار مصیبت هستیم، به خاطر این است که این اخلاق حسنه مهم اسلامی (امانت، درستکاری، حق‌طلبی، زیبایی‌طلبی) را فراموش کرده‌ایم» (۱۳۸۳/۰۹/۱۱).

ایشان ضمن اشاره به ضرورت پیوستگی اخلاق و رفتار سیاسی، آفت ناشی از تفکیک این دو را متذکر شده و می‌فرمایند: «سیاست اگر از اخلاق سرچشمه بگیرد، از معنویت سیراب بشود، برای مردمی که مواجه با آن سیاستند وسیله کمال است، راه بهشت است؛ اما اگر سیاست از اخلاق جدا شد، از معنویت جدا شد، آن وقت سیاست ورزی می‌شود یک وسیله‌ای برای کسب قدرت، به هر قیمت؛ برای کسب ثروت، برای پیش بردن کار خود در دنیا. این سیاست می‌شود آفت؛ برای خود سیاست‌ورز هم آفت است، برای مردمی هم که در عرصه زندگی آنها این سیاست ورزیده می‌شود هم آفت است...» (۸۸/۶/۲۰).

به واسطه این اهمیت طی چندسال گذشته یکی از مهمترین دغدغه‌های رهبر معظم انقلاب، وجود آشفتگی و ناهنجاری در حوزه اخلاق و رفتار سیاسی نخبگان کشور بوده است، به طوری که در دیدار با مسئولان و کارگزاران حج می‌فرمایند: «در گوشه و کنار افرادی، جریان‌هایی، مجموعه‌هایی به اسم‌های مختلف نخبگان سیاسی و غیر این‌ها، فضای جامعه را مشوش می‌کنند، فضای جامعه را از صفا و صداقت تهی می‌کنند، مردم را دچار اغتشاش ذهنی، دچار تردید می‌کنند... به خاطر دشمنی با زید و عمرو و این دولت و آن دولت و مسئولین اجرائی یا مسئولین کذا و کذا، اصل نظام را زیر سؤال ببریم؛ سیاه‌نمایی کنیم! کاری که متأسفانه بعضی از نخبگان سیاسی می‌کنند» (۸۷/۸/۱۵).

همچنین در جمع کارگزاران حج سال ۸۷، اینگونه ناخرسندی از فضای کشور را ابراز می‌فرمایند: «... فضای تبلیغات سیاسی کشور به هیچ وجه فضای خرسندکننده‌ای نیست. ما بایستی از اسلام برای عمل خودمان، برای رفتارهای خودمان، برای موضع‌گیری‌های خودمان درس بگیریم و بدانیم بقای نظام اسلامی، برکات الهی، تفضلات و رحمت الهی تا وقتی است که ما پایبند و مقید باشیم» (۸۷/۸/۱۶). نگرانی‌ها و دغدغه‌های مقام معظم رهبری نسبت به فضای سیاسی و تبلیغات سیاسی در کشور و توصیه و تأکید ایشان بر رعایت اخلاق در رفتار مسئولان و فعالان سیاسی بر

میزان اهمیت انجام پژوهش‌هایی با این موضوع می‌افزاید. از سوی دیگر وجود آسیب‌ها و ناهنجاری‌های صحنه سیاسی جامعه و پیوستگی و ارتباط معنی‌دار رفتار نخبگان سیاسی و بقاء اصل نظام ج.ا.ا از یک‌سو و سوءاستفاده دشمنان نظام ج.ا.ا از فضای مشوّش اخلاقی در رفتارهای نخبگان سیاسی از سوی دیگر، امنیت نظام اسلامی را در معرض تهدید قرار داده و بر ضرورت پرداختن به موضوعاتی این‌چنینی افزوده است.

با در نظر داشتن اهمیت تحقیقاتی با این رویکرد و ضرورت پرداختن به این موضوع تحقیق پیش رو به روش تحلیل مضمون به بررسی تمام فرمایشات مقام معظم رهبری از سال ۱۳۶۸ تاکنون در خصوص اخلاق سیاسی و رفتار ناشی از آن در بین کارگزاران پرداخته تا با احصاء شاخص‌های مدنظر ایشان به هدف تحقیق در راستای انجام تحقیقی کاربردی دست یابد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

اخلاق و رفتار

اخلاق به معنای ارتباط با شخصیت فرد به‌عنوان فرآیند تأثیرگذاری بر دیگران، توافق در مورد آنچه باید انجام شود و نحوه انجام آن توضیح می‌دهد (هوانگ و همکاران، ۲۰۱۶) و در حقیقت در مورد کیفیت کنش یا رفتار انسان بحث می‌کند که با نشان دادن اعمال انسان می‌توان آن را خوب یا بد قضاوت کرد، ضمن اینکه می‌تواند به انسان‌ها کمک کند تا دلایلی بیابند که چرا یک عمل باید انجام شود یا انجام نشود (بودیونو، ۲۰۱۲: ۵۶). در این راستا هر مکتبی بر اساس مبانی اعتقادی و اخلاقی‌اش در عرصه‌های معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی تصویر و تفسیر خاصی از زندگی مطلوب انسان دارد و برای رسیدن به آن مطلوب توصیه‌هایی داشته و بایدها و نبایدهایی صادر می‌کند (وحیدی‌منش، پاییز و زمستان ۱۳۹۳: ۱۱۱). با این حال یکی از معماهای پیچیده در جهان سیاست ارتباط اخلاق و سیاست در صحنه عمل سیاسی است و یکی از دغدغه‌های مهم اندیشه‌پردازان سیاست در عصر مدرن تبیین ارتباط و حدود نفوذ اصول اخلاقی در صحنه عملی سیاست و اقناع حکمرانان به رعایت اصول مزبور در تصمیم‌گیری‌های سیاسی است البته بعضاً مباحث مربوط به مبانی یا فلسفه اخلاق در مکاتب مختلف غرب و شرق و از جمله در میان متفکران اسلامی نیز محل چالش است.

با این حال مهمترین مؤلفه‌های حسن و قبح عقلی که دین بر آن صحنه نهاده و در میان پیروان ادیان و مکاتب مختلف مورد وفاق است عبارتند از: ناخوشایندبودن ستم، کذب، مکر و فریب، خیانت در امانت، نقض عهد و پیمان، خوشایندبودن عدل، راستگویی، صداقت، پایبندی به تعهدات و امثال آن (سلطان‌محمدی، بهار و تابستان ۱۳۹۱: ۹۲). حضرت علی (ع) نیز برخی از مهمترین مؤلفه‌های سیاست اخلاقی را حق‌طلبی، عدالت‌محوری، ابزارانگاری قدرت، تقوای سیاسی، کرامت انسانی، مردم‌گرایی، صلح‌مداری، عهدمندی و مصلحت‌سنجی برمی‌شمرد (سلطان‌محمدی، بهار و تابستان ۱۳۹۱: ۹۱-۹۲).

همانطور که در شاخص‌های مطرح شده برای اخلاق قابل مشاهده است رفتار سیاسی را نمی‌توان از اصول اخلاقی که در یک فرد وجود دارد جدا کرد و به‌عنوان تأملی نظام‌مند در آراء و اصطلاحات اخلاقی، رفتار اخلاقی تلاشی است برای انطباق اعمال با قواعدی که در یک حوزه اعمال می‌شود (یوسف، اولوم، روسیدی و ایشاک، ۲۰۱۷). ضمن اینکه اخلاق حوزه‌ای است که در مورد چگونگی و چرایی به‌کارگیری آموزه‌های خاص و نحوه رفتار و انجام تعهدات افراد با آموزه‌های اخلاقی مختلف بحث می‌کند (پوتری و دینی، ۲۰۲۱: ۱۷۹-۱۸۰) و اخلاق سیاسی از اجرای سیاست‌ها و برنامه‌هایی که بهتر از قبل هستند و احساس خوبی برای جامعه ایجاد می‌کند جدا نیست (فادلورومان و همکاران، ۲۰۲۱: ۴۶) و نمی‌توان خط فاصلی آشکار بین اخلاق و رفتار در حوزه‌های مختلف تصور نمود.

دیدگاه‌های گوناگون در خصوص اخلاق و سیاست

اصولاً اخلاق در برگیرنده ارزش‌هایی است که در زندگی روزمره به یک عادت تبدیل می‌شود (های، ۲۰۱۷) و سیاست در برگیرنده اخلاق، فرهنگ، علم فکری، مالی، علم صحیح، فناوری و مدیریت است (الیسا، ۲۰۱۹) اما وقتی وارد قلمرو سیاست می‌شویم رابطه آن با اخلاق رنگ و بوی دیگری پیدا کرده و بسیار پیچیده و متناقض می‌گردد. در حقیقت این دشواری و تناقض از خود ماهیت سیاست سرچشمه می‌گیرد (حسن‌پور و ده‌یادگاری، تابستان ۱۳۸۸: ۱۰۹) چرا که سیاست از واژه‌هایی است که هم در مقام تعریف و هم در مقام بیان پیچیدگی خاصی دارد که در طول تاریخ معناها و استفاده‌های متفاوتی از آن شده است (مسعودی و ساداتی‌زاده، پاییز ۱۳۹۴: ۱۹) و اساس این اختلافات نیز ریشه در مبانی فکری و جهان‌بینی مکاتب بشری و الهی دارد.

از این رو برای فهم درست مفهوم سیاست باید مبانی و اصولی را که قرار است طبق آن به ارائه تعریف پرداخت مورد فهم و شناسایی قرار داد (نوروزی و معصومی، پاییز ۱۳۹۲: ۳۳).
به طور کلی می‌توان برداشت‌های مختلفی از سیاست را در مکتب قدرت و مکتب هدایت طبقه‌بندی کرد؛ در مکتب قدرت، غایت دولت امور دنیوی است اما در مکتب هدایت غایت دولت امور اخروی است. در اولی دنیا مقصد است و در دومی، آخرت مقصد و دنیا منزلگاه (لک‌زایی، ۱۳۸۷: ۴۶). از این منظر مفهوم سیاست در مکتب هدایت به این صورت قابل تعریف است: «تلاش انسانها در جهت تحقق قانون الهی در روی زمین، به رهبری انبیاء، اوصیا و اولیا جهت نیل به سعادت قصوا» (لک‌زایی، ۱۳۸۵: ۲۰-۲۱) و عمل سیاسی در اصل یک فعل اخلاقی و بزرگترین خیر است که زمینه تحقق فضیلت و خیر را در جامعه فراهم می‌کند و تعامل آن با حوزه اخلاق ضروری و اجتناب‌ناپذیر است (شاطری، ۱۳۹۲: ۱۰۴).

اما در مکتب قدرت مفهوم سیاست بر اساس اصول و مبانی خاص آن تعریف می‌شود. در این مکتب روابط مختلفی بین اخلاق و سیاست متصور است؛ از متفکران قدیم غرب ارسطو در دو رساله فلسفی «اخلاق نیکوماخوس» و «سیاست» از پیوند اخلاق و سیاست سخن گفته و اخلاق را همچون دیباچه‌ای برای سیاست شناخته و پایان یکی را به منزله آغاز دیگری می‌شمارد (منصوری‌نژاد، ۱۳۸۹: ۳۶)، کانت در تبیین رابطه اخلاق و سیاست میان اخلاق ناشی از تکلیف یا وظیفه‌گرا و سیاست تناقض و ناسازگاری نمی‌بیند. از نظر وی ناسازگاری و تعارض زمانی حادث می‌شود که اخلاق سودگرا و سیاست در مقابل یکدیگر قرار گیرند. کانت اخلاق سودگرا را نفی می‌نماید و در چنین حالتی تعارض و ناسازگاری میان سودگرایی و مصلحت‌اندیشی و سیاست به وجود می‌آید نه میان اخلاق و سیاست (احمدی طباطبایی، ۱۳۸۷: ۱۴۳) و هولباخ در کتاب نظام اجتماعی یا اصول طبیعی اخلاق و سیاست، اخلاق و سیاست را فقط به تکاپوی سعادت و لذت تقلیل می‌دهد. از نظر او سعادت جز لذت مدام نیست. بدین ترتیب قدرت سیاسی از آن کسی است که برای هدایت جامعه به سوی این هدف باشد (کاظمی، ۱۳۷۶: ۱۲۷).

راسل در کتاب سیاسی خود به نام «قدرت» تعریفی از سیاست ارائه نمی‌دهد ولی آن را کم و بیش با قدرت یکی دانسته و در تعریف قدرت می‌گوید: «قدرت را می‌توان به عنوان پدید آوردن آثار مطلوب تعریف کرد». نوولی نیز سیاست را همه آن فعالیت‌هایی که مستقیم یا غیر مستقیم با

کسب قدرت دولت، تحکیم قدرت دولت و استفاده از قدرت دولت همراه است می‌داند (الفی، ۱۳۸۷-۱۸-۱۹). در این مکتب سیاست در حقیقت علمی است که بر مبارزه برای کسب و حفظ قدرت، اعمال قدرت و تأثیرگذاری بر دیگران یا مخالفت با اعمال قدرت تمرکز دارد. هرچند به‌عنوان تلاشی برای خیر عمومی مرتبط با اداره ملت و دولت برای جستجو و حفظ قدرت (پرماتاسری و موردیونو، ۲۰۲۲: ۳۰) هم از آن یاد می‌شود.

در حالت کلی در مکاتب مختلف سیاسی در زمینه رابطه احتمالی میان اخلاق و سیاست چهار دیدگاه وجود دارد؛ نظریه جدایی اخلاق از سیاست، نظریه تبعیت اخلاق از سیاست، نظریه دوسطحی اخلاق و سیاست و نظریه یگانگی اخلاق و سیاست. نماد بارز دیدگاه اول ماکیاوولی است که دیدگاه‌های اخلاقی وی دو پیش‌فرض مهم دارد. اول اخلاق عمیقاً پیامدگرایانه است و دوم، اخلاق مجموعه‌ای از معیارهای اخلاقی برای گروه‌های اجتماعی به جای افراد است (ژو، ۲۰۲۱: ۲۰-۲۱). ضمن اینکه این دیدگاه، ورود اخلاق به عرصه سیاسی را ممنوع و خطرناک می‌داند و آن را عامل ناکامی سیاست قلمداد می‌نماید.

دیدگاه دوم در کل مطرود و نامعتبر است و طرفدار چندانی ندارد زیرا برای اخلاق هویت و اصالتی قائل نیست. در دیدگاه سوم، اصول اخلاقی در امور سیاسی پذیرفته می‌شود در حالی که معتقد است اخلاق سیاسی با اخلاق فردی متفاوت است و در دیدگاه چهارم، اخلاق و سیاست هر دو مظاهر حکمت عملی و ارزش‌مدارند و میان آن دو یک نوع اتحاد برقرار است به شیوه‌ای که می‌توان اخلاق را سیاست فردی و سیاست را اخلاق جمعی دانست (مسعودی و ساداتی‌زاده، پاییز ۱۳۹۴: ۱۹). در مکتب اسلامی رابطه بین اخلاق و سیاست، عموم و خصوص مطلق است؛ یعنی اخلاق عام و سیاست بخشی از آن است. اخلاق در دو عرصه فردی و اجتماعی وجود دارد و سیاست با اخلاق اجتماعی ارتباط دارد. اخلاق مقدمه و غایت سیاست است؛ به این معنا که کارگزاران پیش از ورود به سیاست باید شرایط اخلاقی لازم را کسب نموده و توجه نمایند که هدف از سیاست و تشکیل نظام سیاسی ایجاد و گسترش فضایل و مکارم اخلاقی در افراد و جامعه است (اکبری معلم، پاییز ۱۳۹۴: ۶۶). با این نگاه اخلاق سیاسی مجموعه‌ای از ارزش‌ها، قواعد و معیارهای سیاسی مبتنی بر مکتب اسلام است که رعایت آنها برای رسیدن به کمال ضروری است (الهامی‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۱۸) و کارکرد درمان‌گرانه اخلاق زمانی خودش را نشان می‌دهد که سیاست را

هم به خدمت بگیرد نه آنکه خود به خدمت سیاست درآید و خادم سیاست شود (لک‌زایی، بهار ۱۳۹۲: ۵۰).

در عمل، آن چیزی که سیاست الهی را از سیاست ماکیاولی جدا می‌سازد بیشتر مرهون این نکته است که اخلاق راهنمای رفتار سیاستمدار باشد و چارچوب‌های رفتاری او بر اساس اخلاق تنظیم شود یا سیاست هدایتگر رفتار او باشد و اخلاق در پی آن به عنوان ابزار در خدمت سیاست قرار گیرد. پس اگر اخلاق محور و سیاست ابزار باشد سیاست اخلاقی شکل خواهد گرفت و در غیر این صورت اخلاق سیاسی پدید خواهد آمد (وحیدی‌منش، بهار ۱۳۸۷: ۱۲).

در صورتی که سیاست و اخلاق هر دو بر محور دین باشند سیاست اخلاقی و اخلاق سیاسی با یکدیگر تعامل داشته و از هم تأثیر می‌پذیرند؛ اولی بیانگر زمامداری و حاکمیتی است که از اخلاق نشأت گرفته باشد و دومی بیان‌کننده ملکات نفسانی و هیات‌های روحی ویژه‌ای است که برای زمامداری و اعمال قدرت در جامعه ضروری است. تفاوت میان این دو رابطه به‌طور دقیق مشابه تفاوت میان سیاست فقهی و فقه سیاسی است که دو رابطه متغایر اما متعامل هستند. روشن است که ملکات نفسانی لازم برای هدایت جامعه به‌سویی - که مصالح آن را تأمین نماید (اخلاق زمامداری) - با ملکات نفسانی لازم برای سلوک فردی گاهی متفاوت است؛ یعنی پاره‌ای از آنچه برای یک حاکم رواست، برای غیر حاکم روا نیست. البته مسلم است که چه اخلاق فردی و چه اخلاق حکومتی و سیاسی برخاسته از اصل واحدی است که پیش‌تر از احادیث قدسی، سخن پیامبر (ص)، امیرالمومنین (ع) و سایر امامان معصوم نقل شده است. بر اساس این اصل واحد اخلاقی، در سیاست داخلی حاکم باید آن‌چنان با محکوم (رعایای تحت حاکمیت خود) عادلانه عمل نماید که اگر خود به جای آن رعایا قرار گیرد، چنان عملی را از حاکم وقت نسبت به خود و جامعه پسندد و در سیاست خارجی نیز حاکم آن‌چنان بر مبنای مصالح اجتماعی عمل کند که اگر زمامدار دیگری به جای او بود همان عمل را از آن زمامدار می‌پسندید و توصیه می‌نمود. ناگفته پیداست که سیاست اخلاقی سیاستی خواهد بود که بر اخلاق سیاسی مبتنی باشد (مفتح، تابستان ۱۳۸۷: ۱۰۴-۱۰۵).

اخلاق و سیاست در اسلام

دین در فرهنگ غربی از جامعیت برخوردار نیست و به گونه‌ای تعریف می‌شود که عرصه‌های مسائل اجتماعی و سیاسی را در بر نمی‌گیرد و تنها بیانگر رابطه انسان با خدا و ترسیم‌کننده رابطه شخصی و فردی با خداوند است. از این منظر مسائل اجتماعی، سیاسی و بین‌المللی و روابط بین دولت و مردم و دولت‌ها با یکدیگر از حوزه رابطه انسان با خداوند خارج است و در نتیجه بیگانه با دین است؛ اما از نگاه مسلمانان دین از جامعیت برخوردار است و همه مسائل فردی و اجتماعی انسان را در بر می‌گیرد و شامل روابط انسان با خدا و انسان با انسان‌های دیگر و تمام عرصه‌های مسائل اجتماعی، سیاسی و بین‌المللی می‌شود؛ چون از منظر اسلام خداوند حاکم بر جهان و انسان است؛ بنابراین، عرصه سیاست، اقتصاد، تعلیم و تربیت و سایر مسائلی که به زندگی انسان ارتباط دارد زیرمجموعه احکام و ارزش‌های دین است (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۶: ۱۹).

به این واسطه در اسلام نمی‌توان مرز قاطعی میان اخلاق و سیاست قائل شد و هریک را به حوزه‌ای خاص منحصر ساخت. همچنین این دو نمی‌توانند ناقض یکدیگر باشند. از جمله وظایف سیاست پرورش معنوی شهروندان، اجتماعی‌ساختن آنان، تعلیم دیگرخواهی و رعایت حقوق دیگران است و این چیزی جز قواعد اخلاقی نیست. فرد در حیطه زندگی شخصی همان فرد در عرصه زندگی اجتماعی است، گرچه می‌توان از اصولی که حاکم بر جمع و قواعد زندگی جمعی است نام برد و چنان نیست که این اصول بر خلاف اصول حاکم بر زندگی فردی باشد مثلاً فرد آزاد همواره مسئول رفتار خویش است. این مسئولیت در حالت جمعی، گرچه ممکن است کمی ضعیف‌تر باشد، ولی بر عهده اوست و کسی نمی‌تواند مدعی بی‌مسئولیتی در جمع شود و نتایج رفتارش را به عهده نگیرد. این دیدگاه نظام اخلاقی را در دو عرصه زندگی فردی و اجتماعی معتبر می‌شمارد و بر آن است که هر آن چه در سطح فردی اخلاقی است، در سطح اجتماعی نیز چنین باشد و هر آن چه در سطح فردی و برای افراد غیر اخلاقی است، در سطح اجتماعی و سیاسی و برای دولتمردان نیز غیر اخلاقی باشد (سلطان‌محمدی، بهار و تابستان ۱۳۹۱: ۹۴-۹۵).

اخلاق و رعایت آن اعم از فردی و اجتماعی در آیات فراوانی نیز مورد توجه قرار گرفته و قرآن کریم اخلاق حسنه و تهذیب نفس را مایه رستگاری آدمی و رذایل و گناهان را موجب خسران و زیان انسان شمرده و فرموده است: «کسی که نفس خویش را مهذب کند،

به‌راستی به فلاح و رستگاری رسیده است و کسی که آن را آلوده سازد، به‌راستی زیان دیده است» (آیات ۹ و ۱۰ سوره شمس).

بخش وسیعی از روایات و احادیث منقول از پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) توصیه‌های اخلاقی فردی و اجتماعی است و معرفی فضایل و ملکات حسنه نفسانی و تعلیم روش اکتساب آنها از مهم‌ترین دغدغه‌ها و مسئولیت‌های پیشوایان دین ما بوده است. در حدیث معروفی از پیامبر اکرم (ص) می‌خوانیم: «أَمَّا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ؛ «من تنها برای تکمیل فضائل اخلاقی مبعوث شده‌ام» (حصال، ۱۴:۱۳۷۷) تعبیر به «انما» که به اصطلاح برای حصر است نشان می‌دهد که تمام اهداف بعثت پیامبر (ص) در همین امر یعنی تکامل اخلاقی انسانها خلاصه می‌شود. رسول گرامی اسلام (ص) با گسترش اخلاق به حوزه کارگزاران می‌فرماید: «الْعَدْلُ حَسَنٌ، وَلَكِنْ فِي الْأَمْرَاءِ احْسَنٌ» عدل نیکوست لیکن برای امران نیکوتر است (پاینده، ۵۷۹:۱۳۸۲). امام علی (ع) نیز در خصوص اخلاق در حوزه سیاست سخنان گرانبهای زیادی دارند. آن حضرت با رد سیاست فارغ از اخلاق که معاویه مدعی آن بود، در برابر این تصور که معاویه از ایشان زیرک‌تر است چنین فرمودند: «به خدا سوگند معاویه زیرک‌تر از من نیست؛ لیکن شیوه او پیمان‌شکنی و گنهکاری است. اگر پیمان‌شکنی، به گناه برانگیزاند و هر چه به گناه برانگیزاند دل را تاریک گرداند» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۱).

از نظر تئوریک، اندیشوران اسلامی بر خلاف بسیاری از صاحب‌نظران غرب، به‌طور کلی رابطه اخلاق و سیاست را جدای از یکدیگر نمی‌دانند. صاحب‌نظران مسلمان که از سویی تحت تأثیر فیلسوفان اخلاق‌گرای یونان باستان بودند و از سوی دیگر دل در گرو آموزه‌های اسلامی داشتند ضمن پذیرش کلیات عقاید اساتید یونانی خود به اصلاح و هماهنگ‌سازی دیدگاه‌های آنان با آموزه‌های اسلامی مبادرت ورزیدند و مهار سیاست را در اختیار اخلاق مبتنی بر وحی و اخلاق مبتنی بر عقل قرار دادند. در میان فیلسوفان اسلامی، فارابی و خواجه نصیرالدین طوسی از پیشگامان این تفکر بوده‌اند و پس از آنان نیز اگرچه فیلسوفان اسلامی نسبت به سیاست کم توجه شدند ولی همچنان اخلاق جایگاه والایش را نزد آنان حفظ کرد. به هر حال عموم فیلسوفان و علمای اخلاق

و عالمان اسلامی از سیاست مبتنی بر اخلاق جانبداری می‌کردند و منکر عملی شدن آن در جامعه نبودند (وحیدی‌منش، بهار ۱۳۸۷:۷).

از نگاه امام خمینی (ره) نیز چون اسلام دینی ذاتاً اجتماعی و سیاسی است احکام اخلاقی آن هم ذاتاً و از همان ابتدا اجتماعی و سیاسی وضع شده‌اند؛ بنابراین بر اساس این نگاه، تعالیم اخلاقی و عبادی اسلام از بنیاد سیاسی هستند نه اینکه فردی و گسسته از اجتماع و سیاست باشند و بعد لازم باشد که آنها را به اجتماع و سیاست الصاق و سنجاق کنیم (لک‌زایی، بهار ۱۳۹۲:۵۶).

اما برای آنکه در جامعه‌ای سیاست اخلاقی حکمفرما باشد باید نخست زمینه آن فراهم آمده باشد. از جمله این مقدمات لازم که حتی در شکل‌دهی مقدمات دیگر نیز نقش بسزایی دارد صلاحیت اخلاقی زمامداران است (وحیدی‌منش، بهار ۱۳۸۷:۲۰). چرا که از منظر امام (ره) بزرگترین بحران عصر حاضر که سیاره ما را در سرایشی نابودی قرار داده، انحطاط اخلاقی سیاستمداران و حاکمان است و در صورتی که اخلاق فاضله حاکم شود سلاح هم برای بشر خطرناک نیست؛ بنابراین انحطاط اخلاقی از سلاح کشنده هم خطرناک‌تر است (امام خمینی، ج ۱۶: ۱۶۱). از مجموع بیانات و آراء امام خمینی (ره) در خصوص تعامل اخلاق و سیاست به صورت خلاصه موارد زیر قابل دریافت است:

۱. امام به شدت دغدغه اخلاقی کردن سیاست را در همه شئون خود دارد.
۲. از منظر امام سیاست ابزار اخلاق است و اخلاق پایه سیاست است.
۳. دوام و بقای سیاست و حکمران سیاسی در گرو رعایت اخلاق و انحطاط آن در گرو انحطاط اخلاق و قواعد آن است.
۴. اخلاق و سیاست در گزاره سعادت فرد و اجتماع به‌عنوان هدف همپوشانی عمیق دارند.
۵. عدالت رکن اساسی حکومت است و نظام عادلانه مایه خوشبختی بشر و زمینه‌ساز حکومت اخلاق‌گرا است.
۶. فقیه به‌عنوان ولی و حاکم، خود می‌بایست فردی اخلاق‌گرا و معلم آن باشد (فصیحی، ۱۳۸۶: ۱۴۵-۱۴۶).

اخلاق سیاسی کارگزاران اسلامی

یکی از مؤلفه‌های رهبری سیاسی در کنار خودآگاهی، پردازش متوازن و شفافیت رابطه، داشتن دیدگاه اخلاقی است (دینیش و همکاران، ۲۰۲۱: ۴) که در رابطه با الزامات اداره دولتی با هنجارهایی است که در نظم زندگی یک جامعه اعمال می‌شود (پریهاتین، ۲۰۱۸) و از نظر آگوستین حکومت‌ها مادام که منافع و اهداف اخلاقی افراد را تأمین می‌کنند از مشروعیت برخوردارند و اساساً میان سیاست و اخلاق آنچنان پیوندی برقرار است که مشروعیت و عدم مشروعیت حکومت‌ها مبتنی بر اخلاق یا غیراخلاقی عمل کردن آنهاست (شاطری، ۱۳۹۲: ۱۳۸).

اخلاق سیاسی در زمره اخلاق جمعی و بخشی از قواعد جامعه‌محور، رفتار اعضای جامعه سیاسی را نیز در باب فهم اهداف مشترک، اهداف عمومی و گروهی و نیز آگاهی از حقوق آنها در منازعه سیاسی نظم می‌بخشد و در حقیقت، اخلاق سیاسی بخشی از فرهنگ سیاسی متمایل به یگانگی و وحدت جامعه سیاسی و بیان علل رشد یا فروپاشی سیستم‌های سیاسی است (فرامرزی قراملکی، ۱۳۸۵: ۱۰۲).

در اسلام اخلاق سیاسی مجموعه‌ای از ارزش‌ها، قواعد و معیارهای سیاسی مبتنی بر مکتب اسلام است که رعایت آنها برای رسیدن به کمال ضروری است (اکبری معلم، پاییز ۱۳۹۴: ۶۶) و به‌عنوان مجموعه‌ای از قواعد وجدان‌های پاک و آزاد انسانی را به حسن یا لزوم رعایت آن در فعالیت‌های سیاسی حکم می‌کند و شایسته می‌داند همه بازیگران و فعالان سیاسی (چه در سطح داخلی و چه در سطح بین‌المللی) در رقابت‌ها و تعاملات میان خود به‌منظور حفظ مصالح و منافع مشترک بدان عمل کنند (نظامی‌پور و همکاران، پاییز ۱۳۹۳: ۹).

در اخلاق سیاسی اسلامی علاوه بر حسن فعلی، فاعل نیز باید انگیزه پاک و صحیح داشته باشد. آموزه‌های اعتقادی، عملی و اخلاقی اسلام همه برای هدایت انسان به سمت رشد و ترقی است. بر همین اساس نمی‌توان با اعتقادی ناصحیح یا حکمی غیرشرعی و اخلاقی انحرافی به نتیجه ارزشمند رسید. منظور از عمل اخلاقی در اینجا عمل خوب است یعنی عملی که به ضرورت دارای پاداش اخروی باشد؛ چه پاداش دنیوی داشته باشد یا نداشته باشد (علی اکبری و رضائی، بهار و تابستان ۱۳۹۱: ۱۶۲-۱۶۳).

تحلیل اخلاق سیاسی بر سه بحث انتقادی در مورد اهداف سیاسی، روش‌های مورد استفاده در سیاست و فعالیت‌های سیاسی یک سیاستمدار متمرکز است (پریهاتین، ۲۰۱۸) که بر اساس بازیگران اصلی سپهر سیاست اخلاق سیاسی را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

اول، اخلاق سیاسی حکومت‌کنندگان یا کارگزاران: شامل مجموعه‌ای از ضوابط و باید و نبایدهایی که در رفتار، مواضع و عملکردهای کارگزاران حکومتی متجلی می‌شود و کارگزاران و سیاستمداران باید در حوزه سیاست بدان پایبند باشند. دوم، اخلاق سیاسی حکومت‌شوندگان: اخلاق سیاسی در این سطح شامل مجموعه‌ای از نبایدها و باید‌ها اخلاقی می‌شود که در عمل سیاسی شهروندان نسبت به مسائل سیاسی متجلی می‌یابد. سوم، اخلاق سیاسی نخبگان: کسانی که معمولاً در جامعه نقش‌های رفیع و کارکردهای ارزشمندی از نظر اکثر مردم دارد (باقری‌چو کامی و حسینی، پاییز ۱۳۹۴:۹) که مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) با تأکید بر اخلاق سیاسی حکومت‌کنندگان اشاره می‌کنند که دو خطر سیاست را تهدید می‌کند: یکی این است که سیاست از اخلاق فاصله بگیرد و از معنویت و فضیلت خالی شود... آفت دیگر سیاست این است که انسان‌های کوتاه‌بین، کودک‌منش و ضعیف سیاست را در دست گیرند و زمام سیاست از دست‌های پر قدرت خارج شود و به دست انسان‌های بی‌کفایت بیفتد (۱۳۸۰/۱۲/۱۲).

در بین بازیگران سپهر سیاست آنچه در تحقیق حاضر مدنظر قرار گرفته اخلاق سیاسی حکومت‌کنندگان یا کارگزاران در تمام بخش‌های حاکمیتی جمهوری اسلامی و در برگیرنده دست‌اندرکاران سازمان‌ها و نهادهای مختلف قانونگذاری، اجرایی و نظارتی است و از آنجایی که در اسلام نمی‌توان بین اخلاق و رفتار در سطح فردی و اجتماعی مرز دقیقی ترسیم نمود اخلاق و آثار آن در حوزه عمل سیاسی (رفتار) در کنار یکدیگر مورد توجه قرار گرفته و در برگیرنده تعهد کارگزاران دولت اسلامی به اصول اسلام است که این تعهد می‌تواند روابط اجتماعی با مردم در حوزه حکمرانی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

پیشینه پژوهش

تحقیقات در خصوص رابطه اخلاق و سیاست را می‌توان به دو دسته داخلی و خارجی تقسیم کرد؛ در تحقیقات خارجی زین (۲۰۱۶) بین اخلاق و سیاست تمایز قایل بوده و معتقد است اخلاق

سیاسی آزمون ارزش رفتار هوشمندانه و تأثیرگذار بر اعمال انسان در جامعه است. ویدودو (۲۰۱۶) اخلاقیات را دارای تأثیر قابل توجهی بر رهبری در سیاست می‌داند زیرا برای مقامات سیاسی صداقت، اعتماد، ورزیدگی، آمادگی برای خدمت، نمونه و فروتن بودن لازم است. در تحقیق هدایت و سوانتو (۲۰۲۰) ارزش‌های اخلاقی در سیاست به شدت بر یک زندگی دموکراتیک سالم، پاک و مؤدبانه تأثیر می‌گذارد و هماهنگی را برای جامعه به ارمغان خواهد آورد.

در تحقیقات داخلی نیز از نظر ابراهیمی و همکاران (بهار ۱۳۹۶) اخلاق با محوریت مبنای مهم الهی بودن به تمام جوانب زندگی انسان در تمامی حیطه‌ها سمت و سو می‌دهد و با ارائه رویکردهای خاص، کمال و سعادت فرد، خانواده و جامعه را فراهم می‌کند که غایت آن رساندن به حیات طیبه‌ای است که قرآن کریم وعده آن را داده است. عسگری و همکاران (بهار و تابستان ۱۳۹۳) رابطه بین میزان پایبندی کارکنان به اخلاق اسلامی و رفتار شهروندی را مثبت و معنادار می‌دانند و معتقدند مدیران می‌توانند با ترویج مبانی اخلاق در میان کارکنان، رفتارهای شهروندی سازمانی را توسعه دهند. در این میان، برخی محققان اخلاق اسلامی در اندیشه‌های بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران را مورد توجه قرار داده‌اند؛ اکبری معلم (پاییز ۱۳۹۴) با پرداختن به شاخص‌های اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) نتیجه می‌گیرد بین سه قسم فلسفه سیاسی، فقه سیاسی و اخلاق سیاسی در اندیشه ایشان رابطه منطقی و معناداری وجود دارد و نقص و کمال هریک در دیگری مؤثر است و با نگاه منظومه‌ای امام، فهم کامل از اندیشه سیاسی وی با فهم هر سه قسم یادشده حاصل می‌شود. لک‌زایی و لک‌زایی (بهار ۱۳۹۲) با تبیین مباحث اخلاقی امام خمینی (ره) به صورت یک سیستم و به شکلی جامع و با استفاده از چارچوب نظری برگرفته از آثار ایشان به این نتیجه دست یافته‌اند که اخلاق سیاسی مدنظر امام خمینی (ره) مبتنی بر راهبرد برادری است و برای تحقق، تثبیت و گسترش برادری در جامعه آراسته شدن به فضایل و پیراسته شدن از رذایل لازم است.

برخی از تحقیقات اخلاق سیاسی نیز منظومه فکری مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) را محور تحقیق خود قرار داده‌اند؛ باقری چوکامی و حسینی (پاییز ۱۳۹۴) با مدنظر قرار دادن کارکردهای اخلاق سیاسی مدنظر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) به این نتیجه رسیده‌اند که اخلاق سیاسی با تحت تأثیر قرار دادن عملکرد، قابلیت و توانایی حکومت‌شوندگان، حکومت‌کنندگان و نخبگان

سیاسی در استحکام و تداوم قدرت در ابعاد مختلف و ایجاد ثبات و پیشرفت مادی و معنوی کشور و همچنین در ایجاد نفوذناپذیری و مقاومت علیه فشارهای بیرونی نقش اصلی و زیربنایی ایفا می‌کند. زین‌الدینی (پاییز ۱۳۹۶) ابعاد مدیریت و فرماندهی در نیروهای مسلح را بر اساس گفتمان مقام معظم رهبری شامل باور به خدا، باور به خود، باور به کارکنان، انقلابیگری، برنامه‌ریزی، بسیج منابع، هدایت و رهبری، هماهنگی و کنترل و نظارت بر می‌شمارد و از نظر نظامی‌پور و همکاران (پاییز ۱۳۹۳) نیز در خصوص اولویت‌های منظومه اخلاق سیاسی معظم‌له در رابطه با امنیت نرم، به ترتیب مؤلفه‌های شجاعت و مرعوب نشدن در برابر دشمن، ترجیح منافع ملی، قانون‌گرایی، پابندی به همبستگی و انسجام ملی، بصیرت و رازداری بیشترین وزن و اهمیت را در منظومه اخلاق سیاسی بر امنیت نرم دارند.

خلاصه‌ای از پژوهش‌های در خصوص موضوع تحقیق را می‌توان در جدول ۱ مشاهده نمود.

جدول ۱. خلاصه پیشینه پژوهش

پژوهشگران	سال پژوهش	نتیجه
زین	۲۰۱۶	بین اخلاق و سیاست تمایز وجود داشته و اخلاق سیاسی آزمون ارزش رفتار هوشمندانه و تأثیرگذار بر اعمال انسان در جامعه است.
ویدودو	۲۰۱۶	اخلاقیات دارای تأثیر قابل توجهی بر رهبری در سیاست است زیرا برای مقامات سیاسی صداقت، اعتماد، ورزیدگی، آمادگی برای خدمت، نمونه و فروتن بودن لازم است.
هدایت و سواتو	۲۰۲۰	ارزش‌های اخلاقی در سیاست به‌شدت بر یک زندگی دموکراتیک سالم، پاک و مؤدبانه تأثیر می‌گذارد و هماهنگی را برای جامعه به ارمغان خواهد آورد.
ابراهیمی و همکاران	بهار ۱۳۹۶	اخلاق با محوریت مبنای مهم الهی بودن به تمام جوانب زندگی انسان در تمامی حیطه‌ها سمت و سو می‌دهد و با ارائه رویکردهای خاص، کمال و سعادت فرد، خانواده و جامعه را فراهم می‌کند که غایت آن رساندن به حیات طیبه‌ای است که قرآن کریم وعده آن را داده است.
عسگری و همکاران	بهار و تابستان ۱۳۹۳	رابطه بین میزان پابندی کارکنان به اخلاق اسلامی و رفتار شهروندی مثبت و معنادار است و مدیران می‌توانند با ترویج مبانی اخلاق در میان کارکنان، رفتارهای شهروندی سازمانی را توسعه دهند.

جدول ۱. خلاصه پیشینه پژوهش

پژوهشگران	سال پژوهش	نتیجه
اکبری معلم	پاییز ۱۳۹۴	بین سه قسم فلسفه سیاسی، فقه سیاسی و اخلاق سیاسی در اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله) رابطه منطقی و معناداری وجود دارد و نقص و کمال هر یک در دیگری مؤثر است و با نگاه منظومه‌ای امام، فهم کامل از اندیشه سیاسی وی با فهم هر سه قسم یادشده حاصل می‌شود.
لکزایی و لکزایی	بهار ۱۳۹۲	اخلاق سیاسی مدنظر امام خمینی (ره) مبتنی بر راهبرد برادری است و برای تحقق، تثبیت و گسترش برادری در جامعه آراسته شدن به فضایل و پیراسته شدن از رذایل لازم است.
باقری چوکامی و حسینی	پاییز ۱۳۹۴	با مدنظر قرار دادن کارکردهای اخلاق سیاسی مدنظر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) اخلاق سیاسی با تحت تأثیر قرار دادن عملکرد، قابلیت و توانایی حکومت‌شوندگان، حکومت‌کنندگان و نخبگان سیاسی در استحکام و تداوم قدرت در ابعاد مختلف و ایجاد ثبات و پیشرفت مادی و معنوی کشور و همچنین در ایجاد نفوذناپذیری و مقاومت علیه فشارهای بیرونی نقش اصلی و زیربنایی ایفا می‌کند.
زین‌الدینی	پاییز ۱۳۹۶	ابعاد مدیریت و فرماندهی در نیروهای مسلح بر اساس گفتمان مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) شامل باور به خدا، باور به خود، باور به کارکنان، انقلابیگری، برنامه‌ریزی، بسیج منابع، هدایت و رهبری، هماهنگی و کنترل و نظارت است.
نظامی‌پور و همکاران	پاییز ۱۳۹۳	به ترتیب مؤلفه‌های شجاعت و مرعوب نشدن در برابر دشمن، ترجیح منافع ملی، قانون‌گرایی، پابندی به همبستگی و انسجام ملی، بصیرت و رازداری بیشترین وزن و اهمیت را در منظومه اخلاق سیاسی مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) بر امنیت نرم دارند.

همانطور که مشاهده می‌شود بیشتر این تحقیقات اخلاق سیاسی و اخلاق اسلامی را به‌عنوان موضوع پژوهش برگزیده و بعضاً چارچوب فکری بنیانگذاران جمهوری اسلامی ایران را نیز به‌عنوان چارچوب نظری مورد توجه قرار داده‌اند ولی هیچ‌یک به‌طور خاص به موضوع مؤلفه‌ها و شاخص‌های اخلاق و رفتار اسلامی کارگزاران دولت اسلامی از منظر مقام معظم رهبری

(مدظله‌العالی) نپرداخته‌اند هرچند در برخی تحقیقات به مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی نیز پرداخته شده که می‌توان آنها را در جدول شماره ۲ مشاهده نمود.

جدول ۲. مؤلفه‌ها و شاخص‌های اخلاق و رفتار سیاسی کارگزاران

شاخص‌ها	مؤلفه‌ها	پژوهشگران
فروتن بودن	اخلاقیات	ویدودو (۲۰۱۶)
--	ارزش‌های اخلاقی	هدایت و سوانتو (۲۰۲۰)
--	راهبرد برادری، آراسته شدن به فضایل، پیراسته شدن از رذایل	لکزایی و لکزایی (۱۳۹۲)
--	ایجاد ثبات و پیشرفت معنوی	باقری چوکامی و حسینی (۱۳۹۴)
باور به خدا، باور به خود، باور به کارکنان، انقلابیگری، برنامه‌ریزی، بسیج منابع، هدایت و رهبری، هماهنگی و کنترل و نظارت	--	زین‌الدینی (۱۳۹۶)
شجاعت و مرعوب نشدن در برابر دشمن، ترجیح منافع ملی، قانون‌گرایی، پابندی به همبستگی و انسجام ملی، بصیرت و رازداری.	--	نظامی‌پور و همکاران (۱۳۹۳)

روش پژوهش

تحقیق کیفی پیش‌رو با استفاده از روش پیشنهادی اترید- استرلینگ که یکی از روش‌های کدگذاری در تحلیل مضمون است به بررسی فرمایشات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در خصوص اخلاق و رفتار کارگزاران دولت اسلامی پرداخته است؛ در این روش که مبتنی بر تشکیل شبکه مضامین است با سه دسته از کدها و مفاهیم مواجهیم؛ مضامین پایه که شامل نکات کلیدی متن است، مضامین سازمان‌دهنده که حاصل ترکیب و تلخیص مضامین پایه است و مضامین فراگیر که در برگیرنده مضامین عالی حاکم بر متن است.

در این پژوهش تمام فرمایشات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) از سال ۱۳۶۸ تاکنون که بالغ بر ۱۹۲۸ مورد بود با کلیدواژه‌های مسئول، مدیر، دست‌اندرکاران، مسئولان کشور، مدیران

دستگاه‌ها، و مفاهیم مرتبط با آن همچون اخلاق مدیران، اخلاق مسئولان، رفتار مدیران، رفتار دست‌اندرکاران کشور مورد بررسی قرار گرفت. در بین این فرمایشات، در ۱۳۹ سخنرانی توصیه‌هایی به مسئولین با مضامین اخلاق و رفتار اسلامی داشته‌اند که از این میان ۱۷۴ فراز به‌عنوان مضامین پایه احصاء گردید. برای این مضامین در گام اول ۳۴ مضمون سازمان‌دهنده تعیین شد و در نهایت این مضامین در ۹ مضمون فراگیر جای گرفتند که مبتنی بر آنها الگوی تحقیق به‌دست آمد. برای سنجش پایایی تحقیق از روش هولستی و برای بررسی روایی آن نیز از روش صوری بهره گرفته شد که نشان‌دهنده روایی و پایایی مناسب تحقیق بود.

یافته‌های پژوهش

مؤلفه‌ها و شاخص‌های اخلاق و رفتار سیاسی

به‌واقع اسلام در باب سیاست و حکومت و مجموعه اصول و شیوه‌هایی کاربردی سیاسی و اجتماعی نقش ابتکاری و تاسیسی دارد نه اینکه صرفاً به احصاء و قبول نظرات و آراء عقلا دست زده است (مصباح یزدی، ۱۳۸۶: ۲۰). در این فضا رهبران انقلاب اسلامی به تبعیت از نگاه اسلامی و علوی همواره بر شاخص‌های اخلاق و رفتار سیاسی تأکید و توجه خاصی داشته‌اند که برخی از این شاخص‌ها از منظر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در جدول ۳ دسته‌بندی گردیده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۳. مضامین

مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
<p>اگر به این قصد وارد شویم که غربی‌ها به ما نظر بد و منفی نداشته باشند، اشتباه خواهیم کرد (۱۳۷۶/۷/۳۰)، وظیفه مسئولین: عدم غفلت از مسائل اساسی کشور (۱۳۹۴/۱۱/۱۹)، مبدا مسئولین بخش‌های مختلف کشور، در تحلیل اشتباه کنند (۱۳۷۲/۳/۲۶)، مسئولین مراقب باشند از سهل‌انگاری، از غفلت (۱۳۹۷/۴/۹)، گم نکردن راه، اشتباه نکردن راه، دچار بیراهه‌ها و کجراهه‌ها نشدن، تأثیر نپذیرفتن از وسوسه خناسان و اشتباه نکردن کار و هدف (۱۳۹۰/۱۰/۱۹)</p>	غفلت نکردن	بصیرت
<p>تبعیت نکردن از دشمن در میدان‌های گوناگون (۱۳۹۵/۳/۳)، اعتماد نکردن به دشمن، در اشتباه نکردن در شناختن دوست از دشمن (۱۳۹۴/۵/۳۱)، اعتماد نکردن به دشمن و وعده‌های دشمن (۱۳۹۶/۳/۲۲)، شناختن دوست و دشمن و نگرفتن آتش توپخانه تبلیغات به طرف دوستان بجای دشمنان (۱۳۸۸/۵/۵)، در دام لیکندها و وعده‌ها و حمایت‌های دشمن نیفتادن و شناختن کید دشمن در پس ظاهر دوستی و کمک پنهان (۱۳۹۰/۰۶/۲۶)</p>	دشمن‌شناسی	
<p>حرکت بدون نگاه به واقعیت‌ها، بدون نگاه به افق‌های دوردست غالباً به گمراهی و اشتباه منجر خواهد شد (۱۳۹۰/۷/۲۴)، وقتی نشناختیم، در محاسبه اشتباه می‌کنیم (۱۳۹۸/۳/۱۴)، ما امروز در محاسباتمان نباید دچار اشتباه بشویم؛ نگذارید دشمن در دستگاه محاسباتی شما اثر بگذارد (۱۳۹۳/۶/۱۴)، بالا بردن آگاهی خودتان و فهم اوضاع (۱۳۸۸/۵/۵)، تشخیص خط درگیری با دشمن (۱۳۹۱/۰۷/۲۴)</p>	موقعیت‌شناسی	
<p>یک بخشی از این تمسک به ولایت، قلبی است؛ یعنی شما قبول دارید ولایت را (۱۳۹۵/۶/۳۰)، در خودتان نگه دارید؛ آن برادری را، آن مهربانی را، آن توجه به ولایت را (۱۳۹۵/۹/۳)، شناخت ولی خدا و حرکت به دلالت ولی خدا و معلوم کردن مسیر با انگشت اشاره ولی خدا (۱۳۷۰/۰۱/۲۶)</p>	ولایت‌مداری	
<p>دعوت باید با زبان درست انجام بگیرد، اما جهت دعوت باید مشخص باشد. معنی ندارد که انسان جهت دعوت را آزاد بگذارد (۱۳۸۹/۶/۱)</p>	دعوت به حقیقت اسلام	تبیین درست

جدول ۳. مضامین

مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
خودمان را با اهداف عالی اسلام آشنا کنیم (۱۳۹۰/۱/۱)، دعوت به قرآن و سنت و عترت (۱۳۷۵/۰۳/۲۰). دعوت به راه خدا و ارزش‌های اسلامی (۱۳۷۵/۰۳/۲۰)		
مسئولین، صاحبان فکر و دلسوزان، بایستی تصویر درستی را از این حرکت بزرگ و عمومی ارائه بدهند و گفتمان‌سازی بشود (۱۳۹۲/۱۲/۲۰)، مسئولین باید بیانند مردم را و بخصوص نخبگان را از جزئیات و واقعیات مطلع کنند (۱۳۹۴/۱/۲۰)، در مجموعه مسئولین کشور گفتم نقاط قوت را برای مردم بیان کنید (۱۳۹۰/۶/۶)، تبیین حقایق بدون تعصب و حاکمیت تعلقات جناحی و گروهی (۱۳۸۸/۵/۵)، تبیین حقایق بر دل‌گوینده (۱۳۸۸/۵/۵)، بیان صادقانه و صحیح واقعیات‌ها (۱۳۷۰/۵/۲۳)	بیان دقیق حقایق	
تعمیم ندادن و شبهه نکردن در آمار دروغ، آمار غلط و آمار اشتباهی (۱۳۹۰/۰۶/۲۶)، تهی نکردن فضای جامعه از صفا و صداقت، اغتشاش ذهنی ندادن به مردم و مردم را دچار تردید نکردن (۱۳۸۷/۸/۱۵)، عدم شایعه‌پراکنی‌ها و حرف‌هایی که از روی بی‌مسئولیتی زده می‌شود (۱۳۷۷/۴/۷)	عدم ایجاد شبهه	
مسئولین کشور هم بایستی جانب مردم را به معنای واقعی کلمه رعایت کنند (۱۳۹۶/۳/۲۲)، مسئولین باید این احساس مسئولیت را نسبت به نیازهای مردم در خودشان روز به روز تقویت کنند (۱۳۸۶/۱۰/۱۵)، عدم اختلال در بیت‌المال و ثروت‌های عمومی کشور (۱۳۷۶/۰۲/۰۶)، امین بودن (۱۳۸۵/۰۹/۲۲)	امانت‌داری	اعتماد
خود را در سطح توده مردم قرار دادن (۱۳۸۷/۹/۲۴)، ساده‌زیستی مسئولین (۱۳۸۸/۲/۲۲)، زندگی مسئولین جامعه، مسئولین کشور مثل زندگی متوسط مردم (۱۳۸۹/۱۱/۱۵)، استغنا از زخارف دنیا (۱۳۶۸/۷/۱۵)، دست برداشتن از متاع دنیوی (۱۳۷۵/۳/۲۰)	هم‌سطحی با مردم	
آنچه که مردم از مسئولین - بخصوص رده‌های بالاتر - توقع دارند، این است که با هم تعامل داشته باشند (۱۳۹۰/۷/۲۰)، مسئولین دولتی با	ارتباط متقابل	

جدول ۳. مضامین

مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
همکاری و هم‌افزایی به مردم خدمت کنند (۱۳۸۹/۷/۲۷)، از مسئولین هم می‌خواهیم به مردم اعتماد کنند (۱۳۹۲/۱۱/۲۸)، مسئولین دولتی باید از نظرات مردم استفاده کنند (۱۳۹۷/۶/۱۵)، اتحاد مسئولین کشور با مردم (۱۳۹۸/۲/۱۱)، ارتباط میان ملت و مسئولان کشور یک ارتباط مستحکم و صمیمانه باقی بماند (۱۳۸۷/۲/۱۶)، شرح صدر داشتن (۱۳۶۸/۰۷/۱۵)		
رابطه بین مسئولین و مردم، رابطه گرم و مستحکمی است (۱۳۸۶/۱۰/۱۲)، رابطه‌ی مردم با مسئولین، یک چنین رابطه مستحکم عاطفی و ایمانی و نشانه پایبندی به مبانی باشد (۱۳۹۲/۵/۱۲)، مسئولین با دلسوزی، مسائل مردم استانهای مختلف را دنبال‌گیری می‌کنند (۱۳۸۸/۲/۲۹)، مسئولین کشور قدر شما مردم خوب و نجیب و مؤمن و وفادار را بدانند (۱۳۸۸/۲/۲۸)، مسئولین هم از روی دلسوزی برای مردم کار می‌کنند (۱۳۷۳/۱۲/۱۱)، نزدیکی مسئولین نظام با احساسات مردم به‌خاطر اینکه از درون خود آن‌ها برخاسته‌اند (۱۳۷۱/۱۱/۶)، محبت میان ملت و دولت (۱۳۶۸/۱۰/۱۸)، به مردم حقیقتاً خدمت کنید و وقت بگذارید (۱۳۸۷/۲/۱۸)، از دست ندادن صمیمیت مردم (۱۳۹۲/۰۲/۰۹)، فداکاری برای مردم (۱۳۸۷/۹/۲۴)، باید سعی کنند که این روح اعتماد را در دل‌ها قوی کنند (۱۳۶۸/۰۷/۲۸)، روراست بودن با مردم (۱۳۸۵/۹/۲۲)	محبت به مردم	
باید طبقات محروم از پیشرفت اقتصادی کشور به معنای واقعی کلمه بهره‌مند بشوند (۱۳۹۲/۱۲/۲۰)، عدالت به معنای تقسیم منابع حیاتی کشور میان آحاد مردم (۱۳۹۰/۵/۱۶) عدالت یعنی بر طبق حق عمل کردن و حق هر چیز و هر کسی را به او دادن (۱۳۷۱/۱۰/۱۷)، حساسیت در توزیع ثروت (۱۳۸۱/۰۷/۰۳)	توزیع عادلانه ثروت	عدالت
عدالت در معنویت و امکان رشد (۱۳۹۹/۱/۲۱)، این، عدالت است؛ یعنی امکان را در اختیار همه باید قرار داد (۱۳۸۷/۲/۱۲)، حساسیت در توزیع آگاهی (۱۳۸۱/۰۷/۰۳)	توزیع عادلانه آگاهی	

جدول ۳. مضامین

مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
عدالت یعنی امکاناتی که در کشور هست، عادلانه و عاقلانه تقسیم کنیم (۱۳۸۴/۰۶/۰۸)، رقابتها را منصفانه کنند، حرف‌ها را منصفانه کنند (۱۳۸۸/۱/۱)، حساسیت در توزیع قدرت (۱۳۸۱/۰۷/۰۳)، عدالت در تقسیم منابع و فرصت‌های کشور بین گروه‌ها (۱۳۸۹/۵/۲۷)، شایسته‌گزینی در قول و فعل (۱۳۸۳/۰۳/۰۶)	توزیع عادلانه قدرت	
با سماح، با ملاحظت، با ملایمت، حق‌ذی‌حق را بگیریم (۱۳۸۸/۶/۲۰)، مسئولین کشور تکیه کنند بر روی مردم (۱۳۹۶/۱۱/۱۹)، مسئولین کشور مردم را لحظه‌ای فراموش نکنند (۱۳۷۳/۳/۱۴)، نداشتن استبداد یا خودسری و به میل خود یا به ضرر مردم تصمیم نگرفتن (۱۳۷۰/۰۴/۱۰)، رقابت با هدف خدمتگزاری نه قدرت‌طلبی (۱۳۸۶/۷/۲۱)	محور نبودن خود	
مسئولین، خودشان را در معرض نقد و انتقاد قرار بدهند و پاسخگو باشند و پاسخ بدهند و تبیین کنند (۱۳۸۸/۳/۲۹)، باید خودتان را برای پاسخگویی آماده کنید (۱۳۶۸/۰۶/۰۸). باید کار را به گونه‌ای تنظیم کنید که بتوانید محصول و نتیجه آن را به مردم نشان دهید (۱۳۶۸/۰۶/۰۸). دلیل نقایص آن (کار) را باز گوید (۱۳۶۸/۰۶/۰۸) بعد از آن‌که این نیمه اول تحقق پیدا کرد، نوبت نیمه دوم است؛ نوبت پاسخگویی است (۱۳۷۹/۰۹/۱۲). هر کس به هر اندازه که حوزه اختیارات اوست باید پاسخگو باشد (۱۳۸۲)، چه اقدامات عمده‌ای را انجام داده‌اند (۱۳۸۳/۰۱/۰۱)	پاسخگویی	
هم مسئولین کشور، هم آحاد مردم و بخصوص جوانان عزیز، ما بایستی به دشمن پیام قدرت بدهیم (۱۳۹۷/۷/۱۲)، شناخت نقشه دشمن برای دفاع خوب یا حمله پیش‌دستانه (۱۳۹۶/۱۰/۰۶)، دشمن را باید شناخت، روش‌های دشمن را باید شناخت (۱۳۸۹/۷/۲۷)، با دشمن، فاصله‌گذاری واضحی انجام بگیرد (۱۳۹۶/۳/۲۲)، ایستادگی در برابر دشمنان، با شجاعت و با اقتدار (۱۳۹۴/۱۲/۲۰)	مقابله با دشمن بیرونی	شجاعت
شجاعت را باید با تدبیر و حزم در هم آمیخت (۱۳۹۰/۰۶/۲۶)،	فهم و فعل	

جدول ۳. مضامین

مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
مسئولین دولتی با شجاعت در این قضیه وارد بشوند؛ ملاحظه غیر وظیفه و غیر قانون و غیر مصلحت کشور را نکنند (۱۳۹۸/۲/۲۴)، احتیاج به شجاعت داریم، در فهم هم احتیاج به شجاعت داریم (۱۳۸۸/۷/۲)، شجاعت با عقل‌مداری باید همراه باشد؛ با عزم راسخ و بدون تزلزل (۱۳۸۹/۵/۲۷)، شجاعت و عقلانیت. این هم یک وظیفه دیگر مسئولین است (۱۳۹۷/۱۰/۱۹)، شجاعت در برابر هیبت دشمن (۱۳۸۷/۹/۲۴)، شجاعت در قول و فعل (۱۳۸۳/۰۳/۰۶)	شجاعانه	
جهاد اکبر یعنی جهاد با نفس جهاد با نفس را فقط در یک محدوده شخصی نباید محصور کرد (۱۳۷۱/۷/۲۹)، جهاد با نفس تلاشی است که امروز همه ما به آن احتیاج داریم (۱۳۸۹/۸/۲)، جهاد در میدان مقابله با نفس و مسائل معنوی (۱۳۹۱/۹/۱)، خودسازی، مبارزه با شیطان و مبارزه با نفس و توبه‌ی الی‌الله (۱۳۷۴/۷/۲۲)، آلوده نشدن به صله و احسان صاحبان زر و زور (۱۳۹۲/۰۲/۰۹). نمک‌گیر نشدن در برابر طاغوت‌های شهوت و قدرت (۱۳۹۲/۰۲/۰۹)	مقابله با دشمن درونی	
قانون را معیار قرار دهید، قانون را مراعات کنید (۱۳۹۲/۰۲/۱۶)، ملاک قانون است (۱۳۷۸/۱۰/۱۸)، سلیق افراد ملاک نیست (۱۳۷۸/۱۰/۱۸)، همه قانون را معیار بدانند؛ ما از بی‌قانونی ضرر می‌کنیم، ضربه می‌خوریم (۱۳۹۶/۱۰/۱۹)	رعایت چارچوب قانونی	قانون‌مداری
کارآمدی هم باید در جهت تحقق خواست‌ها و اهداف اسلامی باشد و هم در جهت پیاده شدن و عینی شدن ارزش‌ها (۱۳۸۳/۸/۶)، در رفتار خود با اخلاق اسلامی رفتار کنند (۱۳۹۲/۰۲/۱۶)، آنچه خلاف شرع است اعتبار ندارد (۱۳۶۸/۶/۲۰)، قانون جمهوری اسلامی جزء حدودالله است که باید به بهترین وجه رعایت بشود (۱۳۶۹/۱۰/۱۰)، باید همه چیز در چارچوب نظام باشد (۱۳۸۸/۱۲/۰۶)	اولویت چارچوب شرعی	
قانون باید بتواند گره‌ها را باز کند (۱۳۷۸/۱۱/۱۳) قانون باید بتواند به درد دل قشرهای محروم برسد (۱۳۷۸/۱۱/۱۳)، قانون باید بتواند از حقوق ضعیف دفاع کند (۱۳۷۸/۱۱/۱۳)، باید مباحث فقهی را	استفاده از قانون کارآمد	

جدول ۳. مضامین

مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
وارد قانون کنیم (۱۳۷۷/۷/۱۸)، قانون فصل الخطاب است برای عمل دولت (۱۳۹۰/۳/۸)، اما قانون است، باید بر طبقش عمل کنیم (۱۳۹۰/۱۱/۱۴)		
قانون‌گرایی خیلی مهم است. قانون ریل است؛ از این ریل اگر چنانچه خارج شدیم، حتماً آسیب و صدمه است (۱۳۹۲/۶/۶)، همه موظفیم که به قانون و انضباط قانونی پایبند باشیم و آن را عمل نکنیم (۱۳۹۶/۲/۲۷)، بر طبق قانون و در چارچوب آن باید حرف زده شود و عمل شود (۱۳۸۲/۰۳/۰۷)، بر طبق قانون و در چارچوب آن باید رفتار شود (۱۳۸۲/۰۳/۰۷)، حل و فصل هم به وسیله قانون صورت گیرد (۱۳۸۲/۰۳/۰۷)	عمل قانونی	
از این‌جا (داخل کشور) رفتار مصلحت‌آمیز را شروع کنید (۱۳۷۰/۰۴/۱۸)، بایستی مصلحت خودمان را خودمان بسنجیم، خودمان پیدا کنیم، خودمان بفهمیم که مصلحت چیست؛ از دشمن نشویم (۱۳۹۶/۷/۲۶)، تخریب به هیچ‌وجه مصلحت نیست (۱۳۸۱/۶/۴)	تمرین مصلحت اندیشی	مصلحت‌شناسی
مصلحت شخص من و شما نیست، اگر کاری به مصلحت کشور و به مصلحت انقلاب است ولی به مصلحت شخص من نیست، گو مباش (۱۳۷۰/۰۴/۱۸). حکمت و عزت و مصلحت مکمل همنده؛ باید در جهت مصالح ملی باشند (۱۳۹۰/۱۰/۷)، ترجیح دادن مصلحت اسلام بر مصلحت خود (۱۳۶۷/۵/۲۴)	اولویت مصلحت نظام	
متهم نکردن یکدیگر، به جان خودی نیفتادن (۱۳۹۷/۱۲/۲۳)، مسئولین کشور با هم همدل باشند (۱۳۸۷/۲/۴)، هر کس ملت را به تفرقه دعوت کند کاری بر خلاف مصلحت این کشور و این ملت انجام داده است (۱۳۸۷/۲/۱۶). هر کس سعی کند میان ملت و مسئولان کشور فاصله بیندازد کاری بر خلاف مصلحت این کشور و این ملت انجام داده است (۱۳۸۷/۲/۱۶)، باید وحدت کلمه بماند (۱۳۷۰/۱۲/۱۲)	پرهیز از اختلاف	
یکی از خصوصیات این تحرک که اسمش جهاد است، این است که انسان بداند این در مقابل دشمن است (۱۳۹۰/۵/۲۶)، جهاد همراه با	حرکت جهادی	پایداری

جدول ۳. مضامین

مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
رحمت هست؛ عشق به خدا همراه با عشق به مخلوقات خدا هست؛ عزت همراه با فروتنی (۱۳۸۵/۱/۱)، جهاد عبارت است از آن تلاشی که در برابر یک چالش خصمانه از سوی طرف مقابل صورت می‌گیرد (۱۳۹۳/۴/۱۱)، جهاد یعنی جد و جهد همراه با زحمت و چالش با موانع (۱۳۸۷/۲/۱۴)، فرهنگ رزمندگی و جهاد (۱۳۷۵/۳/۲۰)		
همه مسئولین باید در خدمت به مردم از یکدیگر سبقت بگیرند (۱۳۸۲/۱/۱)، مسئولین کشور تلاششان برای قوی شدن کشور و قوی شدن ملت باشد (۱۳۹۸/۱۰/۲۷)، انسان خود را همیشه در میدان حرکت و مبارزه با مانع‌ها و مانع‌تراش‌ها ببیند (۱۳۸۹/۸/۲۶)، پایداری و ایستادگی و استقامت و عقبگرد نکردن (۱۳۸۷/۶/۱۹)	حرکت به جلو	
حق را مکتوم نگه ندارید (۱۳۷۲/۱۲/۱۳)، عزم راسخ مسئولین لازم است (۱۳۹۲/۴/۳۰)، بیداری مسئولین به این است که هرچه می‌توانند، به مردم خدمت کنند، کار کنند و هرچه می‌توانند (۱۳۸۹/۱۰/۱۹)، مبارزه و جهاد به یک معنا تمام‌نشدن است (۱۳۹۳/۳/۴)، استقامت، ایستادگی، پابرجایی (۱۳۸۷/۵/۹)، استقامت یعنی پافشاری، خسته‌نشدن (۱۳۷۸/۹/۲۴)		خسته نشدن
ضرورت ایستادگی بر روی باور حق‌مداری (۱۳۸۷/۵/۹)، رد نکردن انسان‌های صالح و میدان ندادن به انسان‌های ناصالح (۱۳۹۴/۱۰/۱۴)، به همه آحاد مسئولین توفیق بدهد که حق بزرگ این ملت را ان‌شاءالله ادا کنند (۱۳۹۱/۴/۷)		حق‌مداری
تقوا به همان معنایی که عرض کردم یعنی مراقبت برای خطا نکردن (۱۳۷۹/۱۲/۲۶)، همه باید طبق قانون، با دقت کامل، با رعایت کمال تقوا و پاکدستی عمل کنند (۱۳۹۱/۱۰/۱۹)، تقوا یعنی مراقبت از خویش؛ دائم باید مراقب خودمان باشیم (۱۳۹۵/۳/۲۵)، وقتی معیار خدا باشد (۱۳۷۱/۴/۲۲)، اسیر هوای نفس نشدن در جانب‌داری و طرف‌داری یا در مخالفت و معارضه (۱۳۹۳/۵/۱)، مراقبت از خود برای حرکت در صراط مستقیم الهی (۱۳۹۰/۶/۹)، بایستی تقوا و نگاه	تقوا	ایمان

جدول ۳. مضامین

مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
بی‌طرفانه در حوادث کوچک و بزرگ حاکم شود (۱۳۹۰/۰۴/۰۶)		
امام‌ها را امر می‌کردند به اینکه اهل توکل باشیم (۱۳۹۰/۳/۱۴)، ریب و شک در حق را در دل راه ندهید، هوای نفس را از خودتان دور کنید (۱۳۹۸/۲/۲۴)، اعتماد به وعده الهی از سوی مردم و مسئولین (۱۳۹۹/۱۱/۱۹)، اعتماد به نفس و اتکاء به قدرت الهی (۱۳۹۷/۵/۲۲)، اهل توکل باشیم، اهل اعتماد به خدا باشیم، اهل حسن ظن به پروردگار باشیم، برای خدا کار کنیم (۱۳۹۰/۳/۱۴)، محاسبات خدایی را از زندگی کنار نگذاشتن (۱۳۷۱/۴/۲۲)	توکل	
مسئولین محترم کشور که علاقه‌مند به سرنوشت این کشورند، کار را به خاطر خدا و برای رضای خدا برای مردم انجام بدهند (۱۳۹۴/۱۱/۲۸)، ایمان به حرکت خود داشته باشد، فداکاری کند و از منافع و لذت خود بگذرد (۱۳۷۱/۷/۲۹)، از خدا بخواهیم که از همین لحظه مشمول رضایت الهی بشویم (۱۳۹۶/۳/۳۱)، دل‌هایمان را توجه بدهیم به رضای الهی و مسئولیت الهی (۱۳۹۵/۳/۱۶)	رضایت الهی	
مسئولین کشور به مسئله قرآن همچنان با جدیت بپردازند (۱۳۹۴/۳/۲)، قانون و اجرا بایستی با معیارهای خدایی و با مقررات الهی باشد (۱۳۸۷/۳/۲)، اعتقاد به راه قرآن و اسلام (۱۳۷۷/۱/۲۷)، توجه به آیات قرآن برای یافتن صراط مستقیم الهی (۱۳۹۵/۹/۲۷)، عزت و قدرت در سایه تقوا و تمسک به قرآن است (۱۳۷۱/۶/۲۴)، نمازها را خوب بخوانید، با دعا و توسلات انس داشته باشید، با ذکر ائمه (علیهم‌السلام) (۱۳۹۷/۱۲/۱۳)	تمسک به قرآن و نماز	
برخورداری از معارف ائمه (۱۳۹۵/۳/۳۱)، انبیا و اولیا و ائمه و شهدا و صالحین را در نظر بگیرید (۱۳۷۴/۳/۱۹)، همان توسلات و توجهات شما به ائمه علیهم‌السلام است؛ و این پیوند و رابطه معنوی است که همه چیز را حفظ کرده است (۱۳۷۱/۸/۲۷)	توسل به ائمه اطهار	

۱- بصیرت

از منظر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) بصیرت مهم است و نقش نخبگان و خواص هم این است که این بصیرت را نه فقط در خودشان، در دیگران به وجود بیاورند (۱۳۸۸/۵/۵). در این راستا «آنچه که انسان از نخبگان جامعه و جریانات سیاسی و گروه‌های سیاسی انتظار دارد این است که با این حوادث، با این خطوط دشمن، با بصیرت مواجه بشوند؛ به گمان من، هدف و آماج توطئه‌های دشمن خواص است؛ آماج دشمن خواص است... می‌نشینند طراحی می‌کنند تا ذهن خواص را عوض کنند؛ برای اینکه بتوانند مردم را بکشانند؛ چون خواص تأثیر می‌گذارند و در عموم مردم نفوذ کلمه دارند. به نظر من یکی از وظایف اصلی امروز ما و شما، همین است؛ ما بصیرت خودمان را در مسائل گوناگون تقویت کنیم و بتوانیم ان‌شاء‌الله بصیرت مخاطبان و مستمعان خودمان را هم زیاد بکنیم» (۱۳۸۸/۷/۲).

در جای دیگر می‌فرماید: «من می‌خواهم روی مسئله بصیرت باز هم تأکید کنم... بصیرت نورافکن است؛ بصیرت قبله‌نما و قطب‌نماست... در یک فضای تاریک بصیرت روشنگر است. بصیرت راه را به ما نشان می‌دهد. البته برای موفقیت کامل بصیرت شرط لازم است؛ اگر همه آن چیزهای دیگر باشد، بصیرت نباشد، رسیدن به هدف و موفقیت بسیار دشوار خواهد بود (۱۳۸۹/۰۸/۰۴). انسانی که بصیرت ندارد راه را عوضی می‌رود؛ اگر عشق و ایمانی هم در او هست، آن را در راه غلط مصرف می‌کند، کج‌راهه می‌رود» (۱۳۸۹/۰۶/۳۱).

و ارزش بصیرت تا بدانجاست که «اگر بصیرت نبود، همان ایمان ممکن است انسان را به بیراهه بکشاند. نداشتن بصیرت مثل نداشتن چشم است؛ راه را انسان نمی‌بیند. کسی که علم ندارد، بصیرت درست ندارد به آنچه پیرامون او دارد می‌گذرد. گاهی اوقات می‌شود که راه را عوضی طی می‌کند؛ همه نیروی او نه فقط هدر می‌رود، بلکه به کج‌راهه او را می‌رساند و می‌کشاند؛ پس بصیرت لازم است» (۱۳۹۲/۱۰/۱۹).

در پژوهش حاضر برگرفته از فرمایشات ایشان می‌توان چهار شاخص ولایتمداری برای نشان دادن راه درست، دشمن‌شناسی برای تمرکز مقابله، غفلت نکردن از مکر دشمنان و موقعیت‌شناسی شرایط پرابهام حاضر را احصا نمود که ذیل مؤلفه بصیرت قرار می‌گیرند.

۲- عدالت

از منظر رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) مفهوم عدالت فقط به معنی مساوات و برابری نیست و در این خصوص می‌فرماید: «عدالت، همه جا به معنای «برابری» نیست. اشتباه نشود. عدالت یعنی هر چیزی را در جای خود قرار دادن. این معنای عدل است. عدالت یعنی بر طبق حق عمل کردن و حق هر چیز و هر کسی را به او دادن. این معنای عدالت است» (۱۳۷۱/۱۰/۱۷).

از دیدگاه معظم‌له شاخص عدالت از مقدمات اخلاق سیاسی و اجتماعی است «به‌طور کلی، عدالت سیاسی و اجتماعی به‌عنوان مقدمه اخلاق سیاسی و اجتماعی بدان معناست که آحاد سیاسیون و نخبگان سیاسی نسبت به توزیع سه عنصر مهم و حیاتی در جوامع بشری حساسیت داشته باشند. آن سه عنصر هم عبارتند از آگاهی، قدرت و ثروت؛ بنابراین در مثنی اجتماعی و سیاسی، نخبه‌ای را باید عدالت‌خواه نامید که نسبت به تقسیم سه عنصر آگاهی، قدرت و ثروت در جامعه حساسیت عملی و حقیقی داشته و هرگونه بی‌عدالتی را در این زمینه برنتابد. جامعه عدالت‌محور هم جامعه‌ای است که این سه عنصر به‌طور عادلانه و نه به‌طور مساوی در آن قابل دستیابی باشند. عدالت‌خواهی از مظاهر تخلق به اخلاق سیاسی و اجتماعی است. از همین رو مقام معظم رهبری این انقلاب را ترکیبی از عدالت‌خواهی و آزادیخواهی و مردم‌سالاری و معنویت و اخلاق می‌داند» (۱۳۸۱/۰۷/۰۳).

در پژوهش حاضر برگرفته از فرمایشات ایشان می‌توان چهار شاخص توزیع عادلانه ثروت بین تمام مردم، توزیع عادلانه آگاهی، توزیع عادلانه قدرت به‌ویژه در رقابت‌های سیاسی و محور نبودن خود در تصمیم‌گیری‌ها و پاسخگویی را احصا نمود که ذیل مؤلفه عدالت قرار می‌گیرند.

۳- پایداری

رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) اصطلاح صبر را به مفهوم استقامت دانسته و می‌فرماید: «صبر یعنی همین استقامت، ایستادگی، پابرجایی (۱۳۸۷/۵/۹). استقامت یعنی پافشاری، خسته‌نشدن؛ این دو خصوصیت در ملت ایران پیدا شد و کار خودش را کرد و انقلاب پیروز شد» (۱۳۷۸/۹/۲۴). «باید ایستاد، باید ایستادگی کرد. اگر صبر را - که صبر به همان معنای پایداری و ایستادگی و استقامت و عقب‌نگرد نکردن است - وصل کنیم به آن پایگاه ذکر الهی، به آن منبع لایزال، این صبر

دیگر تمام نمی‌شود. روایات متعددی هم دارد که صبر در سه عرصه است؛ صبر بر طاعت، صبر از معصیت، صبر در مصیبت» (۱۳۸۷/۶/۱۹). از منظر ایشان شاخص صبر معانی دیگری نیز دارد: «این متانت، بردباری، حلم، تسلط بر نفس و سعه صدر در هر کس که باشد از او یک انسان بزرگ خواهد ساخت» (۱۳۶۸/۰۳/۱۸). در پژوهش حاضر برگرفته از فرمایشات ایشان می‌توان چهار شاخص حرکت جهادی، حرکت به جلو در تصمیم و اقدام، خسته نشدن و ناامید نشدن در کارها و حق‌مداری در پیگیری امور را احصا نمود که ذیل مؤلفه پایداری قرار می‌گیرند.

۴- شجاعت

شجاعت یکی از صفاتی است که هم در اخلاق فردی و هم در اخلاق جمعی و سیاسی مورد توجه آموزه‌های اسلامی بوده است. در این رابطه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) می‌فرمایند: «شجاعت در برابر هیبت دشمن، جزء شاخص‌هاست. در مقابل دشمن اگر مسئولین کشور احساس رعب و خوف بکنند، بر سر ملت بلاهای بزرگ خواهد آمد. آن ملت‌هایی که ذلیل و مقهور دست دشمن شدند، عمده علت این بود که مسئولان - پیشروان قافله ملت - شجاعت لازم، اعتماد به نفس لازم را نداشتند» (۸۷/۹/۲۴).

البته «شجاعت را باید با تدبیر و حزم در هم آمیخت» (۱۳۹۰/۰۶/۲۶). از منظر ایشان در خصوص نمایندگان ملت «هیچ تطمیع و تهدیدی نباید نماینده را تحت تأثیر بگیرد و او را از شأن و وظیفه نمایندگی بازدارد. شایسته‌گزینی و ارزش‌گرایی و شجاعت، معیار درست برای قول و فعل نمایندگان است» (۱۳۸۳/۰۳/۰۶). در پژوهش حاضر برگرفته از فرمایشات ایشان می‌توان سه شاخص مقابله با دشمن بیرونی، فهم و فعل شجاعانه و مقابله با دشمن درونی را احصا نمود که ذیل مؤلفه شجاعت قرار می‌گیرند.

۵- اعتماد

رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) در خصوص این ویژگی اخلاقی بیان می‌دارند: «... کسانی که در تربیون‌های گوناگون قرار می‌گیرند و سخنرانی می‌کنند و حرف می‌زنند و می‌نویسند. آنها بیش از دیگران باید سعی کنند که این روح اعتماد را در دل‌ها قوی کنند. مبادا آن را تضعیف و متزلزل نمایند» (۱۳۶۸/۰۷/۲۸). معظم‌له برای این دیدگاه خود شرطی قائل شده‌اند: «اما شرطش

همین نکته‌ای است که عرض کردم؛ باید وحدت کلمه بماند؛ باید اعتماد متقابل دستگاه و مردم بماند. مسئولان باید به مردم اعتماد کنند؛ کما این که بحمدالله تاکنون این اعتماد بوده است. مردم هستند که پشتیبان واقعی نظامند؛ این پشتیبانی متوقف به اعتماد است و این اعتماد هم باید باقی بماند» (۷۰/۱۲/۱۲). ایشان در بیان مثالی در این خصوص می‌فرمایند: «اگر بخواهیم عدالت در قوه قضائیه جریان دائمی و عمومی و فراگیر پیدا کند، بایستی تقوا و نگاه بی‌طرفانه در حوادث کوچک و بزرگی که به قوه قضائیه ارجاع می‌شود حاکم شود؛ این را باید همه رعایت کنند، از بالا تا پایین. این یک نکته بسیار مهمی است. این اعتماد ایجاد خواهد کرد» (۱۳۹۰/۰۴/۰۶). در پژوهش حاضر برگرفته از فرمایشات ایشان می‌توان چهار شاخص امانت‌داری، هم‌سطحی با مردم، ارتباط متقابل و محبت به مردم را احصا نمود که ذیل مؤلفه اعتماد قرار می‌گیرند.

۶- قانون‌گرایی (قانونمندی)

از نگاه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) هیچ چیزی از قانون بالاتر و عزیزتر نیست. لذا می‌فرماید: «می‌گویند قانون بد هم از بی‌قانونی بهتر است. بعید نیست آدم این را قبول داشته باشد؛ چون بی‌قانونی، هرج و مرج است؛ قانون بد لاقول یک ضابطه‌ای است» (۱۳۹۰/۱۰/۱۹). توصیه مؤکد و همیشگی رهبر معظم انقلاب به مسئولان انتخابات رعایت قانون بوده است: «همه را توصیه می‌کنم به این که در رفتار خود با اخلاق اسلامی رفتار کنند؛ قانون را مراعات کنند. همه باید قانون را مراعات کنند. تجسم انقلاب در قانون جمهوری اسلامی است» (۰۱/۰۱/۱۳۹۱) «این توصیه من به شما مسئولان محترم انتخابات هم هست، قانون را معیار قرار دهید» (۱۶/۰۲/۱۳۹۲). از منظر ایشان، یکی از ملاک‌های سلامت نظام انتخابات قاعده‌مندی رفتار و عمل و حرکت در چارچوب قانون است: «بر طبق قانون و در چارچوب آن باید حرف زده و عمل و رفتار شود و حلّ و فصل هم به وسیله قانون صورت گیرد. این بهترین معیار وحدت است؛ انگیزه‌های دیگر را کنار بگذارند» (۱۳۸۲/۰۳/۰۷).

امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) قانون را وسیله امنیت و آرامش و بی‌قانونی را عامل هرج و مرج و ناامنی معرفی و چنین استدلال می‌نماید که: «گاهی ممکن است یک قانون صددرصد درست هم نباشد، اما از بی‌قانونی بهتر است. ... از راه بی‌قانونی بخواهیم آنچه را که به نظر ما خطا است

درست کنیم. قانون معیار بسیار خوبی است؛ وسیله‌ای است برای آسایش کشور، آرامش کشور، حفظ وحدت ملی، ادامه راه عمومی» (۱۳۹۲/۰۲/۲۵). در پژوهش حاضر برگرفته از فرمایشات ایشان می‌توان چهار شاخص رعایت چارچوب قانونی، اولویت چارچوب شرعی، استفاده از قوانین کارآمد و عمل قانونی را احصا نمود که ذیل مؤلفه قانون‌گرایی قرار می‌گیرند.

۷- مصلحت‌اندیشی

از نظر رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) عزت و حکمت و مصلحت، یک مثلث الزامی برای چارچوب ارتباطات بین‌المللی است بر این اساس می‌فرماید: «...اما مراد، مصلحت شخص من و شما نیست، اگر کاری به مصلحت کشور و به مصلحت انقلاب است ولی به مصلحت شخص من نیست، گو مباش؛ چه اهمیتی دارد؟ مصلحت یعنی مصلحت انقلاب و این مصلحت همه‌جانبه است؛ یعنی از رفتار شخصی ما - بخصوص شما - شروع می‌شود» (۱۳۷۰/۰۴/۱۸).

معنی و مفهوم این شاخص از منظر ایشان چنین بیان شده است: «مصلحت‌اندیشی یعنی دنبال مسأله‌ای که مصلحت است رفتن؛ این که موضوع بدی نیست. این را بدانید که دستگاه اجرایی کشور در تعامل بسیار دشوار خود در دنیا بر سر دو راهی‌هایی قرار می‌گیرد که مجبور می‌شود مصالحی را در نظر بگیرد؛ چون اداره کشور و کار اجرایی کار خیلی سختی است» (۱۳۸۲/۰۸/۵). در پژوهش حاضر برگرفته از فرمایشات ایشان می‌توان سه شاخص تمرین مصلحت‌اندیشی، اولویت مصلحت نظام و پرهیز از اختلاف را احصا نمود که ذیل مؤلفه مصلحت‌اندیشی قرار می‌گیرند.

۸- تبیین درست

از نگاه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) همین تبیین‌ها موجب شد که انقلاب اسلامی بر بسیاری از پیش‌زمینه‌های تاریخی و تربیت‌های غلط فائق بیاید و فائق آمد (۱۳۸۷/۲/۱۴) و ادامه این حرکت نورانی و غلبه بر توطئه‌های دشمن نیز از مسیر تبیین و روشنگری و جهاد علیه تحریف حقایق می‌گذرد و اینگونه است که تبیین اساس کار ما است (۱۳۹۵/۴/۱۲).

خیلی از حقایق هست که باید تبیین شود. در قبال این حرکت گمراه‌کننده‌ای که از صد طرف به سمت ملت ایران سرازیر است و تأثیرگذاری بر افکار عمومی که یکی از هدف‌های بزرگ دشمنان ایران و اسلام و انقلاب اسلامی است و دچار ابهام نگه داشتن افکار و رها کردن اذهان

مردم و بخصوص جوان‌ها، «حرکت تبیین» خنثی‌کننده این توطئه دشمن و این حرکت دشمن است (۱۴۰۰/۷/۵). ایشان در این خصوص توصیه ویژه‌ای به جوانان دارند: «جوانها باید امیدآفرینی کنند، باید توصیه به ایستادگی، توصیه به تنبلی نکردن، توصیه به خسته نشدن کنند (۱۳۹۹/۱۲/۲۱). کار باید این باشد که به مردم امید بدهید و اطمینان بدهید. اگر مردم نا امید شدند، اعتماد خودشان را از دست دادند، متزلزل شدند، شکست قطعی است» (۱۳۸۹/۶/۲۵).

در پژوهش حاضر برگرفته از فرمایشات ایشان می‌توان سه شاخص عدم ایجاد شبهه، بیان دقیق حقایق و دعوت به حقیقت اسلام را احصا نمود که ذیل مؤلفه تبیین درست قرار می‌گیرند.

۹- ایمان

به واسطه اهمیت ایمان در نگاه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) ایشان آن را اساس حکومت می‌دانند: «اساس حکومت اسلامی و شاخص عمده این حکومت عبارت است از استقرار ایمان؛ ایمان به خدا، ایمان به تعالیم انبیاء و سلوک در صراط مستقیم که انبیاء الهی در مقابل پای مردم قرار دادند. اساس ایمان است» (۱۳۸۹/۱/۱)

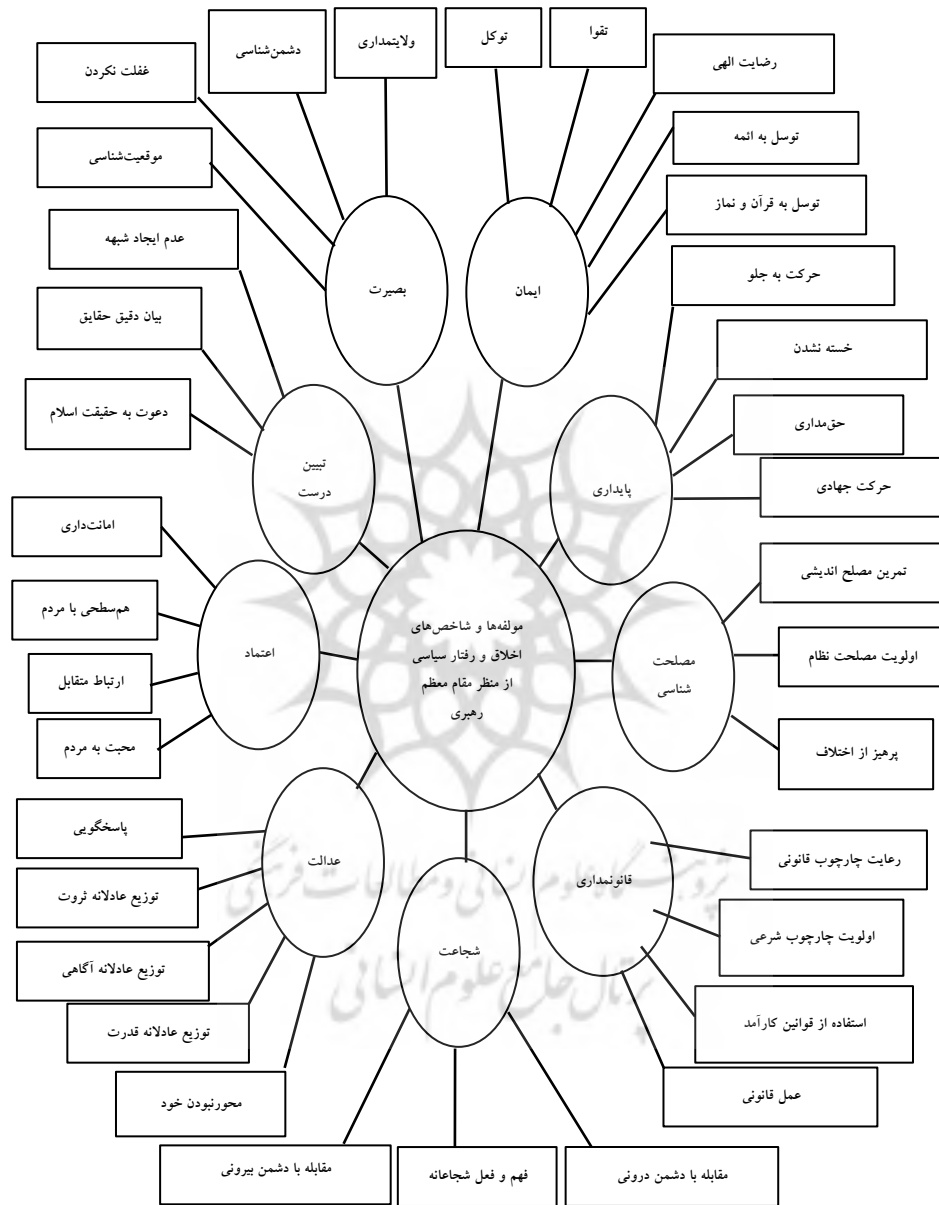
و آن را بر عهده مسئولین می‌دانند «به‌عهده مسئولین هست، به‌عهده سیاستمداران هست، به‌عهده حوزه‌های علمیه هست،... یکی ایمان اسلامی است، ایمان دینی است» (۱۳۹۵/۱۰/۱۹). تا جایی از این هم فراتر رفته و مسئولین را رجل دینی می‌نامند، آنجایی که می‌فرمایند: «ما که امروز دولت اسلامی و نظام جمهوری اسلامی هستیم مسئولیتی بر عهده گرفته‌ایم و به‌عنوان رجال دین و مسئولین دینی هستیم» (۱۳۷۸/۹/۲۳)

البته این اهمیت محدود به حوزه فکری و اعتقادی باقی نمی‌ماند و آن را منوط به عمل می‌نمایند: «از نظر اسلام ایمان مجرد از عمل، یک حداقل است. ایمان کامل و ایمان حقیقی آن ایمانی است که با جهاد در میدان عمل همراه باشد» (۱۳۸۹/۸/۲)، البته عملی که دارای هدف و جهت درستی نیز باشد: «هم بنده، هم دیگر مسئولین وظیفه داریم که از این نعمت بزرگ خداداد به شکل درستی به نفع انقلاب و به نفع نظام استفاده کنیم؛...یک نقطه اصلی وجود دارد و آن ایمان است. یک هدفی را باید ترسیم کنیم - هدف زندگی را - به آن ایمان پیدا کنیم. بدون ایمان، پیشرفت در این بخش‌ها امکان‌پذیر نیست؛ کار درست انجام نمی‌گیرد»

(۱۳۹۱/۷/۲۳). در پژوهش حاضر برگرفته از فرمایشات ایشان می‌توان پنج شاخص تقوا، توکل، رضایت الهی، تمسک به قرآن و نماز و توسل به ائمه اطهار را احصا نمود که ذیل مؤلفه ایمان قرار می‌گیرند.



مدل مفهومی تحقیق



نتیجه گیری

فارابی، خواجه نصیرالدین طوسی و غزالی از شخصیت‌های برجسته عینیت اخلاق و سیاست در رویکرد اخلاق و سیاست متعادل و متعالی در رهیافت اسلامی و توحیدی به‌شمار می‌آیند اما در این میان امام خمینی (ره) از زمره اندیشمندانی است که تلاش کرد نظریه یگانگی اخلاق و سیاست را بر اساس اصول اسلامی استوار سازد. به اعتقاد ایشان، سیاست و اخلاق دو جنبه مکمل از یک پیکره هستند. در ادامه راه امام (ره) از مجموع رهنمودهای رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) نیز چنین استنباط می‌شود که ما می‌توانیم اخلاق و تقوا و ایمان را، هم در رفتار فردی خود و هم در برنامه‌های کلان کشور حاکم کنیم چرا که قدرتی که از این راه به‌دست نیاید قدرتی نامشروع و ظالمانه است.

به واسطه اهمیتی که موضوع اخلاق سیاسی در جوامع گوناگون داشته به‌طور عام مورد توجه پژوهشگران داخلی و خارجی نیز قرار گرفته است؛ برخی از این پژوهشگران به نتایج اخلاق سیاسی بر اعمال انسان (زین، ۲۰۱۶) اشاره نموده‌اند؛ برخی تأثیر آن را بر زندگی دموکراتیک سالم و پاک (هدایت و سوانتو، ۲۰۲۰) و رفتار شهروندی (عسگری و همکاران، ۱۳۹۳) و برخی نیز با ویژگی الهی بودن آن را سمت و سو دهنده به تمام جوانب زندگی انسان در تمام حیطه‌ها (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۶) دانسته‌اند.

در میان پژوهش‌های انجام شده نیز برخی چارچوب فکری امام (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) را مبنا قرار داده و در این فضا به اخلاق سیاسی پرداخته‌اند که به این پژوهش نزدیکی بیشتری دارند؛ برخی به راهبرد اخلاقی مدنظر امام (ره) (لک‌زایی و لک‌زایی، ۱۳۹۲) و برخی به کارکردهای آن از منظر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) (باقری چوکامی و حسینی، ۱۳۹۴) پرداخته‌اند. با تمرکز بیشتر بر موضوع این تحقیق در میان پژوهش‌های انجام شده فقط چند پژوهش به شاخص‌ها و مؤلفه‌های مدنظر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) شامل باور به خدا، باور به خود، باور به کارکنان، انقلابیگری، برنامه‌ریزی، بسیج منابع، هدایت و رهبری، هماهنگی و کنترل و نظارت (زین‌الدینی، ۱۳۹۶) شجاعت و مرعوب‌نشدن در برابر دشمن، ترجیح منافع ملی،

قانون‌گرایی، پابندی به همبستگی و انسجام ملی، بصیرت و رازداری (نظامی‌پور و همکاران، ۱۳۹۳) پرداخته‌اند.

در مقایسه با تحقیقات پیشین، پژوهش حاضر نگاه جامع‌تری به موضوع اخلاق و رفتار سیاسی کارگزاران داشته و برای دستیابی به الگویی جامع از بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در خصوص مؤلفه‌ها و شاخص‌های اخلاق و رفتار سیاسی تمام بیانات معظم‌له احصا بررسی و فرازهای مرتبط در قالب مضامین پایه احصا شد. برای این مضامین ۳۴ مضمون سازمان‌دهنده ولایت‌مداری، دشمن‌شناسی، غفلت نکردن، موقعیت‌شناسی؛ عدم ایجاد شبهه، بیان دقیق حقایق، دعوت به حقیقت اسلام؛ امانت‌داری، هم‌سطحی با مردم، ارتباط متقابل، محبت به مردم؛ توزیع عادلانه ثروت، توزیع عادلانه آگاهی، توزیع عادلانه قدرت، محور نبودن خود، پاسخگویی؛ مقابله با دشمن بیرونی، فهم و فعل شجاعانه، مقابله با دشمن درونی؛ رعایت چارچوب قانونی، اولویت چارچوب شرعی، استفاده از قوانین کارآمد، عمل قانونی؛ تمرین مصلح‌اندیشی، اولویت مصلحت نظام، پرهیز از اختلاف؛ حرکت جهادی، حرکت به جلو، خسته نشدن، حق‌مداری؛ تقوا، توکل، رضایت الهی، تمسک به قرآن و نماز، توسل به ائمه اطهار تعیین گردید. در گام نهایی تحقیق این مضامین ذیل نه مضمون فراگیر ایمان، بصیرت، عدالت، اعتماد، شجاعت، مصلحت‌اندیشی، پایداری، تبیین درست و قانون‌مداری دسته‌بندی شد که در نهایت نمایی کلی از فرمایشات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در حوزه اخلاق و رفتار کارگزاران دولت اسلامی ارائه گردید.

اما با توجه به ویژگی‌های جامعه ایرانی شاید نکته کلیدی که می‌تواند آثار این شاخص‌ها را در عرصه اجتماعی نمایان سازد این نکته باشد که مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) می‌فرمایند: «در خدمت‌گزاری باید هیچ‌گونه تمایزی قائل نشد. مسئولیت در هر بخشی از بخش‌ها عبارت است از خدمت به آحاد مردم. این دوست‌ماست، این بیگانه از ماست، این دشمن‌ماست، این گرایش سیاسی‌اش این است، گرایش دینی‌اش این است؛ اینها هیچ تأثیری ندارد. خدمت باید عمومی باشد، برای همه باشد؛ آن وقت این تأثیر می‌گذارد در عمل کسانی که در مجموعه‌های بزرگ مشغول خدمت‌گزاری هستند؛ مثل یک استان، یا مثل یک شهرستان. بخش‌های مختلف شهرستان‌ها، جورواجور انسان‌هایی را در خود جای داده‌اند؛ لذا نگاه نسبت به همه باید یکسان باشد. خدمت

مال همه است، متعلق به همه است، ما هم باید امانتداری کنیم؛ آنچه را که در اختیار ماست، در اختیار همه قرار بدهیم» (۱۳۹۱ / ۰۷ / ۲۵).

مدنظر قرار دادن این شاخص‌ها برای گزینش اولیه کارگزاران در کنار تخصص لازم در اجرای مسئولیت‌های واگذاری می‌تواند عاملی برای افزایش سلامت ساختار حکمرانی در نظام اسلامی و رفع مفاسد و بی‌اخلاقی‌های سیاسی باشد و این یکسانی در شاخص‌های اخلاقی و رفتاری چه بسا اختلافات کارگزاران در مناصب مختلف را کاهش داده و زمینه اتحاد بیشتر مسئولان به واسطه یگانگی در هدف خدمت به مردم را به وجود آورد و ضمن تلاش آنان برای تأمین نیازهای مادی بستر لازم برای ارتقاء معنوی مردم را در کشور اسلامی فراهم نموده و مسیر تبدیل شدن نظام اسلامی به عنوان الگویی برای نظام‌های سیاسی جهان را فراهم می‌آورد تا برای اولین بار در تاریخ سیاسی جهان بتواند به عنوان الگویی دینی - مردمی نواقص موجود در نظام‌های سیاسی غرب را برطرف نماید. در همین راستا بهره‌گیری از پیشنهادات زیر می‌تواند گامی در این مسیر باشد:

۱. توجه ویژه بر عمومی نمودن شاخص‌های اخلاقی مدنظر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در برنامه‌های رسانه ملی
۲. ایجاد روحیه مطالبه‌گری در بین جوانان دانشجوی در خصوص اخلاق سیاسی مسئولان در کنار تخصص لازم
۳. برجسته نمودن ابعاد اخلاقی مدنظر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در آموزش‌های مدارس
۴. تعیین سرفصل‌های درسی در مراکز آموزشی نهادها و دوره‌های حکمرانی در خصوص اخلاق سیاسی
۵. توجه ویژه به شاخص‌های اخلاق اسلامی در ارزیابی مدیران سطوح مختلف مسئولیتی

فهرست منابع

- قرآن کریم
نهج‌البلاغه
صحیفه حضرت امام (ره)
- فرمایشات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در سایت Khamenei.ir
- ابراهیمی، ابراهیم و علیرضا طیبی و علی حسن بگی و اصغر طهماسبی بلداجی، (بهار ۱۳۹۶)، «بررسی جامعیت اسلام در ترسیم مبانی و ویژگی‌های اخلاق اسلامی با تکیه بر سیره رضوی»، فرهنگ رضوی، سال پنجم، شماره ۱۷، صص ۷-۳۴.
- احمدی طباطبایی، سیدمحمدرضا (۱۳۸۷)، اخلاق و سیاست، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- اکبری معلم، علی (پاییز ۱۳۹۴)، «شاخص‌های اندیشه سیاسی امام (در سه قسم فلسفه سیاسی، فقه سیاسی و اخلاق سیاسی)»، مطالعات انقلاب اسلامی، سال دوازدهم، شماره ۴۲، صص ۶۳-۸۰.
- باقری چوکامی، سیامک و حسین حسینی، (پاییز ۱۳۹۴)، «نقش اخلاق سیاسی در استحکام بخشی بعد سیاسی ساخت درونی قدرت»، آفاق امنیت، سال هشتم، شماره ۲۸، صص ۵-۳۳.
- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲)، نهج‌الفصاحه؛ کلمات قصار پیامبر اسلام (ص)، چاپ چهارم، تهران: دنیای دانش.
- حسن‌پور، جمیل و منوچهر ده‌یادگاری (تابستان ۱۳۸۸)، «اخلاق و سیاست از دیدگاه نظریه انتقادی»، تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره دوم، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، صص ۱۰۷-۱۳۸.
- حسین‌زاده، ابوالحسن (۱۳۸۶)، «جایگاه اخلاق و مدیریت سیاسی امام خمینی (ره)»، دین و سیاست، شماره ۱۱-۱۲.
- زین‌الدینی، مجید، (پاییز ۱۳۹۶)، «مدیریت و فرماندهی در نیروهای مسلح از دیدگاه حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)»، مدیریت اسلامی، سال ۲۵، شماره ۳، صص ۱۶۳-۱۸۹.
- سلطان‌محمدی، حسین و فاطمه سلطان محمدی (بهار و تابستان ۱۳۹۱)، «تبیین مؤلفه‌های سیاست اخلاقی امام علی (ع) پس از رسیدن به امامت و حکومت»، پژوهشنامه علوی، سال سوم، شماره اول، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، صص ۹۱-۱۱۶.
- شاطری، روح‌الله (۱۳۹۲)، مسئولیت اخلاقی حکومت دینی، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- صدوق، ابوجعفر محمد (۱۳۷۷)، خصال، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، تهران: کتابچی.
- عسگری، ناصر و غلامحسین نیکوکار و محمد امینی (بهار و تابستان ۱۳۹۳)، «بررسی رابطه اخلاق اسلامی و رفتار شهروندی سازمانی»، مدیریت اسلامی، سال ۲۲، شماره ۱، ۱-۱۲۳.

- علی اکبری، حسن و حسین رضوانی (بهار و تابستان ۱۳۹۱)، «بررسی پایه‌های نظری موضوع تصمیم‌گیری مبتنی بر اخلاق اسلامی»، *مدیریت اسلامی*، سال ۲۰، شماره ۱، صص ۱۴۹-۱۷۴.
- فرامرز فراملکی، احد (۱۳۸۷)، *درآمدی بر اخلاق حرفه‌ای*، تهران: سرآمد.
- فصیحی، محمدعارف (۱۳۸۶)، «بررسی رابطه اخلاق و سیاست در اندیشه سیاسی امام محمد غزالی و امام خمینی (ره)»، *کوثر معارف*، شماره ۳.
- الفی، محمدرضا و حجت الله ساعی (۱۳۸۷)، *مبانی و اصول علم سیاست*، تبریز: اختر.
- کاظمی، سیدعلی اصغر (۱۳۷۶)، *اخلاق و سیاست (اندیشه سیاسی در عرصه عمل)*، تهران: قومس.
- لکزایی، نجف و رضا لکزایی (بهار ۱۳۹۲)، «نظام اخلاق سیاسی امام خمینی (ره)»، *پژوهشنامه انقلاب اسلامی*، شماره ۶ صص ۴۹-۷۲.
- لکزایی، نجف (۱۳۸۵)، *سیر تطور سیاسی امام خمینی (ره)*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- لکزایی، نجف (۱۳۸۷)، *درآمدی بر مستندات قرآنی فلسفه سیاسی امام خمینی (ره)*، قم: بوستان کتاب.
- مسعودی، جهانگیر و سیدسجاد ساداتی‌زاده (پاییز ۱۳۹۴)، «رابطه اخلاق و سیاست»، *اخلاق در علوم و فناوری*، سال دهم، شماره ۳، صص ۱۹-۲۸.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۶)، *نظریه سیاسی در اسلام*، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مفتح، محمد هادی (تابستان ۱۳۸۷)، «اخلاق سیاسی در رفتار پیامبر (ص)»، *علوم حدیث*، سال سیزدهم، شماره دوم، صص ۱۰۲-۱۲۸.
- منصوری‌نژادی، مفید (۱۳۸۹)، *سیری در اندیشه سیاسی؛ متفکرین اسلامی-ایرانی*، تهران: انتشارات جوان پویا.
- نظامی‌پور، قدیر و سیامک باقری چوکامی و جعفر یوسفی (پاییز ۱۳۹۳)، «امنیت نرم جمهوری اسلامی ایران و اولویت‌های منظومه اخلاق سیاسی»، *آفاق امنیت*، سال هفتم، شماره ۲۴، صص ۵-۲۴.
- نوروزی، محمدجواد و سیدمحمد معصومی (پاییز ۱۳۹۲)، «رونمایی از چهره خصوصی دولت در اندیشه سیاسی-اخلاقی امام خمینی (ره)»، *پژوهش‌های انقلاب اسلامی*، سال ۲، شماره ۶، صص ۲۹-۴۸.
- وحیدی‌منش، حمزه علی (بهار ۱۳۸۷)، «نمایی کلی از سیاست اخلاقی»، *مطالعات انقلاب اسلامی*، سال چهارم، شماره ۱۲، صص ۷۷-۱۰۰.
- Budiyono, B. (2012). Menjaga etika dalam berpolitik. *Citizenship: Jurnal Pancasila dan Kewarganegaraan*, 1(1), 51-60. <http://doi.org/10.25273/citizenship.v1i1.3736>.
- Danish, Rizwan Qaiser & Ashfaq Ahmed & Sadia Farooq & Waqas Baig & Hafiz Ahmed Ullah (2021), ETHICS AND POLITICS: WHAT DETERMINES ETHICAL LEADERSHIP UNDER POLITICAL MENTORING?, *Academic Journal of Social Sciences* Vol. 5 Issue 1 (January - March 2021) PP 1-17
- Elisa, P. M. (2019). Relivansi Etika-Politik Menurut Aristoteles Bagi Praktek Politik Uang Menjelang Pemilu di Indonesia. Madiun. <https://doi.org/10.31219/osf.io/fpe3t>
- Fadhlorrohman, Mochammad Iqbal & Tengku Imam Syarifuddin & Etika Khairina (2021), Political Ethics in Leadership: Impact of Behaviour Ethics Implementation of Regional

- Heads in Indonesia, *Journal of Government and Political Issues*, Volume 1, Issue 1, July 2021 (45–55)
- Hai, K. A. (2017). Kontekstualisasi Etika Politik Islam Umar Ibn Khattab Dalam Kehidupan Kontemporer. *Jurnal Ilmiah Islam Futura*, 16(1), 52–73. <https://doi.org/10.22373/jiif.v16i1.743>
- Hidayat, R., & Suwanto, S. (2020). Membumikan Etika Politik Islam Nabi Muhammad SAW Periode Madinah dalam Konteks Perpolitikan Indonesia. *Jurnal Sejarah Peradaban Islam*, 3(2), 124–141. <https://doi.org/10.30829/juspi.v3i2.4469>
- Huang, G., Su, Y., Kareem, A., & Liao, H. (2016). Time-frequency analysis of non stationary processes based on multivariate empirical mode decomposition. *Journal of Engineering Mechanics*, 142 (1), 04015065.
- Permatasari, Mitra and Mukhamad Murdiono (2022), THE URGENCY OF POLITICAL ETHICS OF PANCASILA FOR THE MILLENNIAL GENERATION TOWARDS GOLDEN INDONESIA 2045, *European Journal of Social Sciences Studies*, Volume 7 , Issue 4 , pp. 26-46.
- Prihatin, N. A. (2018). Pemikiran Mohammad Natsir tentang Etika Politik Islam Tahun 1930-1960. *Ilmu Sejarah - S1*, 3(1), 94–106. Retrieved from <http://journal.student.uny.ac.id/ojs/ojs/ojs/index.php/ilmu-sejarah/article/view/12066/0>
- Putri, F. S., & Dinie, A. D. (2021). Implementasi pancasila sebagai sistem etika. *EduPsyCouns: Journal of Education, Psychology and Counseling*, 3(1), 176-184. Retrieved from <https://ummaspul.e-journal.id/Edupsycounts/article/view/1327>
- Widodo, W. (2016). Muwujudkan Budaya Politik Santun, Bersih dan Beretika Dalam Rangka Memperkokoh Kehidupan Berbangsa dan Bernegara. *Humanika*, 19(1), 114. <https://doi.org/10.14710/humanika.19.1.114-129>
- Xu, Mian (2021), *Sinews of Power: How does Machiavelli reconcile ethics and political realism in his theory of interstate politics?*, Master of Arts Program in the Committee on International Relations, University of Chicago
- Yusuf, M., Ulum, B., Rusydi, M., & Ishak, M. (2017). Etika Islam dalam Ranah Politik: Respon dan Tinjauan Kritis Nahdlatul Ulama dan Muhammadiyah Provinsi Jambi terhadap Penyelenggaraan Pilkada Langsung 2005-2015. *MIQOT: Jurnal Ilmu-Ilmu Keislaman*, 41(1), 139–154. <https://doi.org/10.30821/miqot.v41i1.306>
- Zein, F. M. (2016). Kritik Konsep Politik Machiavelli dalam Perspektif Etika Politik Islam (Perbandingan dengan Teori Etika Politik Al Mawardi). *Jurnal Mahkamah: Kajian Ilmu Hukum Dan Hukum Islam*, 1(2), 489–507. <https://doi.org/https://journal.iaimnumetrolampung.ac.id/index.php/jm/article/view/52>

